



مسامحه و تغافل: مبارزه با مواد مخدر در روند انتقال

خلاصه موضوع

واضح است که تولید و تجارت مواد مخدر تاثیر برجسته بالای چشم انداز اقتصادی، سیاسی و امنیتی و حتا جغرافیایی افغانستان پس از انتقال مسوولیت ها خواهد داشت. سطح کشت کوکنار از دیر باز روند صعودی داشته است؛ تخمین زده می شود که ساحات مورد کشت در سال ۲۰۱۲ میلادی ۱۸ درصد افزایش پیدا کرده و احتمالاً در چند سال آینده بیشتر هم خواهد شد. این روند با تعاملات و شکل گیری اتحاد ها در واکنش به شرایط و فعل و انفعالات دوران پس از انتقال مسوولیت های امنیتی از ناتو به نیروهای افغان، تشدید شده می تواند.

حتا با وجود حضور نیروهای ناتو در کشور، قدرت اجرایی و استعمال قوه دولت افغانستان در ولایاتی که قبلا به عنوان "الگو های" مثبت مبارزه با مواد مخدر تلقی می شدند، در حال تضعیف است. تصور بر این است که ولایاتی چون هلمند و ننگرهار مجدداً به کشت وسیع خشخاش در مناطق حاصلخیز و قابل دسترس روی خواهند آورد. با خروج نیروهای مذکور، دولت یا کنترل برخی مناطق را به نیروی های ضد حکومتی واگذار می نماید، و یا اختیار آن را به دست قدرتمندان محلی خواهد داد که احتمالاً نفع اندکی در کاهش کشت کوکنار داشته و یا حتا دست به ترغیب و ترویج آن بزنند.

انتظار می رود که حتا در ولایاتی مانند غور، لغمان و بلخ که قبلا "فارغ از کشت کوکنار" اعلام شده بود، کوکنار به پیمانیه وسیعی زرع گردد. نگرانی بیشتر از این است که کشت کوکنار در مناطق صحرائی جنوب که قبلا در آن زرعی صورت نمی گرفت، گسترش داده شود. به کارگیری تکنولوژی های جدید - مانند چاه های عمیق، علف کش و نیروی خورشیدی - به احتمال قوی کشت در ساحات مذکور را کمک کرده، هزینه ها را کاهش و تولید را افزایش بخشیده می تواند. در عین حال، استراتژی ها و تلاش های به هم ریخته و با اهداف ضعیف در امر مبارزه با مواد مخدر، همراه با افزایش تقاضای جهانی برای مواد مخدر، انگیزه های کشت و تولید را افزایش بخشیده اند.

افزایش سطح تولید دارای پیامدهای وسیع تری برای اقتصاد سیاسی کشور است. در مناطق روستایی، بر سر سیاست های مواد مخدر، توأم آن رقابت ها و اختلافاتی به وجود خواهد آمد. طالبان سابقه مشهود تشویق فعالانه کشت کوکنار را به عنوان بخشی از استراتژی جلب حمایت مردم در مناطق روستایی و برجسته کردن ضعف های اداره محلی دارند. با اتخاذ استراتژی محو کوکنار، احساسات مخالف علیه حکومت و همکاران بین المللی آن به وجود آمده می تواند. تعداد بیشماری از نیروهای امنیتی محلی تحت نظارت بعضاً ضعیف نیروهای نظامی افغان و بین المللی قرار دارند. در برخی از مناطق هلمند و قندهار برای مبارزه با کشت کوکنار از اقدامات شدید استفاده می نمایند، چون از این موضوع آگاه اند که در غیر آن معاش و حمایت خود را از دست خواهند داد. در بخش های دیگر از این ولایات و همچنان ولایت بلخ، دهقانان می گویند که پولیس محلی و حتا پولیس سرحدی از کشت کوکنار نفع برده و یا خود در زرع آن نقش دارند.

موضوعات

- ۱- خلاصه موضوع.....
- ۱- نگاه پر تغافل به واقعیت
- ۲- دوران انتقال: بگذار صدها گل بشگفتند.....
- ۳- تبدیل صحرا به گلستان.....
- ۴- موضوع واقعاً فراگیر.....
- ۵- راهی به سوی پیش.....

در باره نویسندگان

دیوید منسفیلد مشاور مستقلی است که تحقیقات میدانی را در مورد نقش کوکنار در معیشت مردم در روستا ها برای ۱۷ فصل متواتر کشت و رشد این محصول در افغانستان به عهده گرفت.

پاول فیشتین(فوق لیسانس در اقتصاد کشاورزی و منابع) رییس سابق واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان است که نخستین تجربه های او از افغانستان به سال ۱۹۷۷ میلادی بر می گردد. او اکنون به عنوان مشاور مستقل کار می نماید.

در حالی که با خروج نیروهای ناتو نگرانی از کاهش کمک های خارجی وجود دارد، خطر این است که بیشتر قوای امنیتی محلی به تولید و تجارت مواد مخدر روی بیاورند تا شبکه طرفداران و ملیشه های خود را تغذیه کرده و موقعیت نظامی خود را قوی سازند. در یک فضای غیر قابل پیش بینی مالی، گروه های مسلح ای که قدرت حق گیری و مالیه از تولید و تجارت کالاها با ارزشی چون مواد مخدر را دارند، دست بالا در میان هممتایان خود خواهند داشت.

با توجه به تاثیرات زیان آور مواد مخدر بالای اقتصاد، سیاست و امنیت افغانستان، سوال عمده برای جامعه جهانی و حکومت افغانستان پس از سال ۲۰۱۴ نیست بلکه چگونگی برخورد با آن است. با توجه به شواهد موجود، تقریباً نوعی از پیش پای بینی عامدانه از سوی تمویل کنندگان غربی، به اضافه محدود کردن مسایل مواد مخدر به حواشی پالیسی ها، به چشم می خورد که اقدامات سیاسی و انکشافی را در افغانستان با تهدید مواجه ساخته می تواند.

فضای کلی انتقال مسوولیت ها جای چندانی برای پرداختن به موضوع کاهش مواد مخدر نگذاشته است. کمک های خارجی کاهش یافته، رشد اقتصادی کند، مسیر نامطمین امنیتی و فقر فراگیر در روستاها چالش ها و تهدید های جدی را متوجه کشور ساخته است. اتهام دست داشتن مقامات افغان در تولید و قاچاق مواد مخدر انعکاس خیلی بدی در میان کشور های غربی داشته است که مالیه دهندگان با توجه بحران های مالی خود، اعطای کمک ها به افغانستان را زیر سوال می برند. بدون اقدام مشخص جهت مبارزه و جلوگیری از کشت و تجارت مواد مخدر، حتا برنامه ها و تلاش های موفق بخاطر گسترش سیستم آبیاری و بهبود زیرساخت های جاده ای نیز به تولید و تجارت مخدرات کمک کرده می تواند.

با وجود بیانات مختلف، هنوز هم با مواد مخدر به صورت مجرد و یکجانبه برخورد شده و به دلایل وسیع تر و به طور ریشه ای به کشت و تولید مواد مخدر پرداخته نمی شود. البته با این تلاش ها موفقیت های محدودی به دست آمده است، ولی در برخی مواقع بخش هایی از جامعه را منزوی ساخته، روند دولت سازی را به شکل منفی متاثر نموده و در نهایت به بازگشت مجدد کشت کوکنار و یا تغییر ساحه آن منجر گشته است. شواهد موجود در افغانستان و باقی جاها حاکی از آن است کاهش پایدار کشت کوکنار در مناطقی که در توسعه در آن صورت می گیرد، اتفاق افتاده می تواند. این انکشاف نه تنها شامل متنوع شدن در آمد های خانواده ها- عواید ناشی از مشاغل زراعتی و غیر زراعتی- می گردد بلکه فراهم آوری کالاها و خدمات عمومی به مردم در روستا ها و شهرها را نیز در بر می گیرد و پیوند میان دولت و مردم را قوی می نماید. از نگاه انتقادی، اسناد نشان می دهد که کشت کوکنار در مناطق که گزینه های قابل دسترس و پایدار معیشتی وجود ندارد، با وجود تغییرات، همچنان پای برجای باقی می ماند.

در عمل، سیاست موثر مبارزه با مواد مخدر باید در برگیرنده گسترش مساعی مشترک میان سکتور های مختلف در افغانستان باشد. این اقدامات شامل برنامه ریزی موثر بر اساس اولویت بندی و شناخت مناطق، و ارزیابی اجباری از تاثیر برنامه های ملی و چندجانبه بالای امنیت، حکومتداری و توسعه و همچنان مشوق های کشت و اقتصاد مواد مخدر بوده می تواند. این خود نیازمند سرمایه گذاری های بیشتر برای فهم واقعیت های چندگانه و پیچیده روستاهای افغانستان، و همچنان توسعه بخشیدن به روش ها و رویکرد های موثر در بررسی تاثیرات معیشتی اقدامات گوناگون در امر مبارزه با زرع و تولید مواد مخدر است. از همه مهمتر این که تمام تحلیل ها و برنامه ریزی ها بایستی در چارچوب واقعیت های اقتصاد مواد مخدر صورت بگیرد. ناکامی در پرداختن به این واقعیت های تازه هم بالای برنامه های روند انتقال و هم توسعه پایدار افغانستان تاثیر برجای گذاشته و مسیر سیاسی کشور را به سوی بی دقتی ها و اشتباهات کلی سوق می دهد.

۱- نگاه پر تغافل به واقعیت

اعلامیه اخیر هیچ اشاره ای به افزایش تولید مواد مخدر در افغانستان پس از سال ۲۰۱۴ میلادی و تاثیرات آن بالای اقتصاد سیاسی کشور نشده است. در واقعیت، در پایتخت های کشور های غربی به خوبی می توان واکنش های حساسیت برانگیز را در برابر موضوع مبارزه با مواد مخدر دید که سیاستگذاران غالباً از پرداختن به این موضوع پرهیز می نمایند.

حتا بانک جهانی که برای مدت زیادی مشترک فعال در پرداختن به موضوع مواد مخدر به عنوان یک موضوع فراگیر در تمام برنامه های ملی بود^۲ - توجه کمی به این مساله در مطالعه اخیر خود در ارتباط به ارزیابی اقتصاد کلان در افغانستان معطوف داشته است^۳. بانک جهانی در تحلیل خود از افغانستان پس

به نظر می آید که پالیسی سازان غربی به طور کلی علاقمندی خود را به صحبت در مورد تولید و تجارت تریاک در افغانستان از دست داده اند. با آنکه بحث خوشبختانه از مرحله اعلامیه های طویل کنفرانس های پیشین بین المللی درباره افغانستان که در آن مسایل بدون در نظر داشت اولویت ها به شکل لیست خرید مطرح میشد^۱ گذشته، اما هنوز بدیل بهتری جای آن را نگرفته است. در

^۱ "Berlin Declaration" (Berlin: 1 February 2005), para 5, <http://mfa.gov.af/Content/files/berlindeclaration.pdf> (accessed 8 August 2013); "The Afghanistan Compact" (London: 1 February 2006), 4 and 11, <http://mfa.gov.af/Content/files/Afghanistan%20Compact.pdf> (accessed 8 August 2013); "Declaration of the International Conference in Support of Afghanistan" (Paris: 12 June 2008), p.3, <http://mfa.gov.af/Content/files/english.pdf> (accessed 8 August 2013); "Afghanistan: The London Conference" (London: 28 January 2010), para 27, <http://mfa.gov.af/Content/files/LONDON%20CONFERENCE.pdf> (accessed 8 August 2013); "Kabul Conference Communiqué" (Kabul: 20 July 2010), para 26, <http://mfa.gov.af/Content/Media/Documents/FINALKabulConferenceCommuniqué2782011123830501553325325.pdf> (accessed 8 August 2013); "The International Conference in Bonn" (Bonn: 5 December 2011), para 15, <http://mfa.gov.af/Content/files/Second%20Bonn%20Conference%202011%20Communiqué.pdf> (accessed 8 August 2013); "Chicago Summit Declaration on Afghanistan" (Chicago: 21 May 2012), para 21, http://www.nato.int/cps/en/natolive/official_texts_87595.htm (accessed 8 August 2013); "The Tokyo Declaration Partnership for Self-Reliance in Afghanistan From Transition to Transformation" (Tokyo: 9 July 2012), para 6, <http://mfa.gov.af/en/news/11196> (accessed 8 August 2013).

^۲ Between 2004 and 2008, the World Bank commissioned a number of pieces of work integrating the drugs issue into both its analysis and programming. This included efforts to "mainstream" drugs into a number of National Priority Programmes. Its work on integrating drugs into development analysis and planning in Afghanistan culminated in a report it published with the UK Department for International Development. See "Afghanistan: Economic Incentives and Development Initiatives to Reduce Opium Production" (Kabul: World Bank/DFID, 2008).

^۳ This may reflect in part the declining share of opium in Afghanistan's GDP in recent years,

در واقعیت، اگر به صورت کلی ارقام را تحلیل نماییم و به ساحات جغرافیایی مشخصی توجه نماییم، داستان‌هایی از موفقیت را شنیده می‌توانیم؛ چنانکه بهبود معیشت خانواده‌های روستایی منجر به ترک کشت و تولید مواد مخدر در مناطق نزدیک به مراکز ولایتی و داد و ستد تجارتي - اقتصادی شده است. البته، گویا این داستان‌های موفقیت آمیز در حدی نیست که در سرخط خبرها قرار بگیرند، و از این خاطر تاثیر کمی بالای پالیسی و یا تصمیم‌گیری‌های عملیاتی در سطوح بالا داشته است.

برای آنانی که کار انکشافی در افغانستان می‌نمایند، مهمترین مشکل در قسمت چگونگی برخورد با کشت خشخاش این است که میان کابل و ولایات یک عدم ارتباط و هماهنگی فزاینده وجود دارد. پرداختن به مشکلاتی چون کشت خشخاش در مناطق روستایی افغانستان نیازمند مدنظر گرفتن واقعیت‌های چند بعدی در دهات، درک پیچیدگی پروسه‌های سیاسی و اجتماعی-اقتصادی، و همچنان بررسی عواقب خواسته و ناخواسته اقدامات و مداخلات به منظور مبارزه با مواد مخدر در مناطق جغرافیایی گوناگون است.

به هر صورت، در شرایط فعلی سرمایه‌گذاری اندکی روی سنجش تاثیرات فعالیت‌های انکشافی بالای زندگی روستاییان افغان شده است. در عوض، در روایت غالب از مبارزه با مواد مخدر تهمیدات ساده انگارانه و یک بعدی مانند آمار کلی محو مخدرات بر اساس تن و یا هکتار زمین که از سوی اداره جرایم و مواد مخدر ارایه می‌گردد، همچنان اطلاعاتی که از سروی‌های ولایتی و ولسوالی از خانواده‌ها (که البته این نظرسنجی‌ها و سروی‌ها توأم با جانبداری می‌باشد) به دست می‌آید، مسلط است.^۴ کمبود اطلاعات با جزئیات پالیسی سازان را هرچه بیشتر از رویدادها و واقعیت‌های مناطق روستایی که کشت و تولید مواد مخدر در آنجا تراکم دارد، بی‌ارتباط و منفصل می‌نماید.

احتمالاً مسأله مواد مخدر در افغانستان به این خاطر از مرکز توجه بیرون شده است که یک «مشکل بدخیم و مضر» است؛ نتیجه شبکه پیچیده‌ای از عوامل به هم وابسته و مسایلی است که به امروز زمان به وجود آمده و توسعه یافته، و باید برای حل آن از شیوه‌ها و راهکارهای جدید و معقول بهره‌برده شود.^۵ به این منظور، تعریف محدود از دلایل پرابلم، نادیده گرفتن پیچیدگی‌های قضیه و یا اهمیت ندادن به آن از لحاظ بودجوی و نهادی، کمک‌چندانی به برخورد موثر با قضیه مواد مخدر در افغانستان نمی‌نماید. این به خاطر مشکل آفرین است که هماهنگی میان نهادهای مختلف حکومتی و تمویل‌کنندگان به خودی خود یک چالش به حساب می‌آید. بوروکراسی‌ها - چه در افغانستان و چه در غرب - به موضوعات و پروژه‌های که بالای تمام اهرام کنترل نداشته باشند،

از انتقال مسوولیت‌ها، به موضوع مواد مخدر تنها به طور گذار اشاره کرده است. در حالیکه این نهاد می‌گوید که «در جریان روند انتقال تولید مواد مخدر به صورت موقتی افزایش پیدا خواهد کرد»^۶، اما برای این مدعا هیچ ثبوتی را ارایه نمی‌نماید تا بدانیم که چرا این افزایش موقتی خواهد بود و به چه دلیلی دو باره رو به کاهش خواهد گذاشت.^۷

این نیز روشن نیست که چرا از اهمیت موضوع مواد مخدر به یکباره در اجندای کشورها کاسته شده است. شاید هر کسی آن قدر مصروف اولویت‌های خود در افغانستان است که موضوع مبارزه با مواد مخدر به طور طبیعی از صدر به پایین لیست آمده است. البته بدیهی است که در زمره مسایل و نگرانی‌های کشور‌های دخیل در افغانستان موضوعات مهمتر دیگری در مورد آینده این کشور وجود دارد: کیفیت و عملکرد قوای امنیتی افغان؛ موفقیت انتخابات ریاست جمهوری در اپریل ۲۰۱۴ میلادی؛ آینده کمک‌های خارجی به افغانستان، و میکانیسم بالقوه برای ارایه کمک‌ها در شرایطی که کنترل دولت بر مناطقی از دست رفته باشد. به نظر می‌آید که آمادگی‌ها برای روند انتقال فرصت کمی را در مورد مسایل فراگیری چون مواد مخدر، به رغم تاثیرات گسترده‌شان، باقی می‌گذارد.

آیا موضوع مواد مخدر در افغانستان خیلی زیاد غامض و لاینحل شده است؟ به رغم تلاش‌ها و حمایت‌های مالی قابل توجه، افغانستان هنوز هم ۹۰ درصد افیون جهان را تولید می‌نماید و احتمالاً این واقعیت به زودی تغییر نخواهد خورد. همیشه این توقع وجود داشته که تغییرات زمان‌گیر بوده و شاید به عمر یک نسل طول بکشد.^۸ به هر حال، در یک فضای سیاسی که روند انتقال موفقانه مسوولیت‌ها به منزله پایان یک مداخله موفقانه به حساب آید، شاید چنین تصور می‌شود که موفقیت در امر مبارزه با تولید مواد مخدر در حدی نیست که روایت پیروزی را مشعشع و قوی بسازد. البته، در این راستا موفقیت‌های اندکی به دست آمده که توسط رسانه‌ها گزارش شده است؛ چون زمانی که کشت کوکنار بین سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۱ میلادی کاهش یافت، رسانه‌ها به سختی علاقه‌ای برای بازتاب آن داشتند. اما، زمانی که میزان کشت افزایش یافت، رسانه‌ها به تعداد بیشماری مقاله و گزارش به نشر سپرده و صحبت از «سیل» هیروئین به خیابان‌های کشورهای غربی کردند که پول آن به جیب گروه‌های شورشی رفته و سرمایه‌تبهکاران افزایش می‌یابد.^۹

which has fallen from an estimate of 13 percent in 2007 to four percent in 2012 due to the growth in the Afghan economy and a rapid expansion in external assistance over this period. See UNODC, "Afghanistan Opium Survey 2007" (Kabul: UNODC, 2007), 7; UNODC, "Afghanistan Opium Survey" (Kabul: UNODC, 2012), 13.

^۴ In this report the drugs issue is mentioned only as a "factoid" in a box on page 51, while at the same time acknowledging that "the illicit production of opium still overshadows agriculture, accounting for nearly half of overall agricultural production but on a much smaller portion of agricultural land." Drugs are not mentioned in sections on rural livelihoods or in the conclusions and recommendations, and are given only a paragraph (apart from the aforementioned box) in the chapter on the economic impacts of Transition, despite separate sections on employment, poverty and economic growth. See World Bank, "Afghanistan in Transition: Looking beyond 2014" (Kabul/Washington, DC: World Bank, 2012). Even in early July 2013, a Bank presentation made to senior officials in Kabul made only a passing reference to the rise in cultivation in 2013, offering no analysis of how growing drugs production would impact on the wider economy and the Bank's own economic forecasts for the country. See World Bank, "Afghanistan: From Transition to Transformation II" (briefing to senior officials meeting, 2 July 2013).

^۵ This point is repeated in World Bank "April 2013 Afghanistan Economic Update" (Kabul: World Bank, 2013), 7.

^۶ As previous counter-narcotics experiences in Pakistan and Thailand would seem to suggest.

^۷ Damian Gayle, (2013) 'Afghan heroin production soars as foreign troops pull out, says UN', Mail Online, 15 April 2013.

^۸ For example, the Helmand Monitoring and Evaluation Programme (HMEP), which is used to assess performance in Helmand, reports that only 3-5 percent of households answered yes to the questions: "In the past 12 months, did your household make any revenues from each of the following?...Sale of opium/ poppy." See "HMEP Annual Review," February 2013, 14-2 and 14-4. Even in the more secure Food Zone in which polling might be possible, opium poppy cultivation rose, occupying as much as 62.5 percent of the agricultural land in the part of Nahr-i Seraj contained within the Food Zone (US government data analysed by Alcis). Given the trends in production and prices reported by UNODC and the US government, it is hard to believe that opium poppy cultivation was a source of income for only the five percent of the population that HMEP reports. Beyond the inevitable implications for social desirability bias inherent in such direct lines of enquiry, there are also many parts of Helmand, particularly those areas where the Taliban dominate (including north of the Boghra Canal) where opium poppy is increasingly concentrated. Again, it is difficult to believe that such topics could be pursued at all without threats to the lives of enumerators.

^۹ Jeff Conklin, "Wicked Problems and Social Complexity" (CogNexus Institute, 2008), <http://www.cs.uml.edu/radical-design/uploads/Main/WickedProblems.pdf> (accessed 8 August 2013).

بالای یک بودجه توافق نداشته باشند، و برای دستاورد آن اعتبار و افتخاری به دست نیاورند، علاقه ای از خود نشان نمی دهند.

گزارش ربوعار اخیر مفتش ویژه ایالات متحده برای بازسازی افغانستان^{۱۱} (SIGAR) به خوبی نشان می دهد که چگونه بسیاری از بازیگران موضوع مبارزه با مواد مخدر را به عنوان یک موضوع کاملاً مجزا در نظر می گیرند، تا بخشی از یک فرآیند کلان تر که به اهداف انکشافی، امنیتی و حکومتداری خوب دست یابد. بر اساس این گزارش، ۸۲،۱۲ میلیارد دالر کمک های ایالات متحده - ۹۲،۶ درصد ۸۸،۷۶ میلیارد که به افغانستان از ۳۱ سپتامبر ۲۰۱۲ میلادی متعهد گردید - بیشتر بالای امنیت، توسعه و حکومتداری به مصرف رسید. در مقایسه، تنها ۶،۱۵ میلیارد دالر به صورت مستقیم به مبارزه با مواد مخدر اختصاص داده شد^{۱۲}. این اقدام نشان دهنده تناقضات به جا مانده از رویکرد موجود در قبال این مساله می باشد. در حالی که مسوولان به خاطر ناکامی در امر مبارزه با مواد مخدر به حسابدهی و مسوولیت پذیری فراخوانده می شوند، اما در نهایت تاثیر بسیار کم بالای بخش های امنیتی و انکشافی دارد که هر دو سکتور جزء ایجاد شرایط جهت کاهش پایدار کشت کوکنار در افغانستان است.

یکی از چالش های دیگر این است که تعداد معدودی از پالیسی سازان غربی باور دارند که حکومت افغانستان پس از سال ۲۰۱۴ میلادی مسایل مربوط به مواد مخدر را نمی تواند در اولویت کاری خویش قرار خواهد داد. بر اساس این دیدگاه، هر حکومت جدیدی که مسوولیت کامل کشور را به عهده بگیرد، به اندازه کافی با مشکلات بنیادین فراتر از قضیه مواد مخدر مواجه خواهد شد. در نتیجه، این حکومت به دنبال آن دسته از پالیسی های مبارزه با مواد مخدر، مانند از بین بردن مزارع کشت کوکنار، نخواهد رفت تا در اثر آن بخش هایی از مردم را در روستاها از خود برنجانند؛ و نه همچنان افراد دخیل در تجارت مواد مخدر را که به ویژه دارای ارتباطات نزدیک با دولت اند، مورد هدف قرار خواهد داد. در عوض، مقامات پایتخت و ولایات به نوعی از معامله با قدرتمندان محلی دست خواهند زد تا در بدل بهره برداری شان از کشت و تولید مواد مخدر، وفاداری خود به دولت در کابل را حفظ نمایند.

به هر حال، شک و تردیدها در مورد تعهدات حکومت منتخب پس از سال ۲۰۱۴ میلادی در برابر مبارزه با مواد مخدر دلیل قوی برای کم اهمیت شدن موضوع در نزد کشورهای تمویل کننده نمی شود. به عنوان مثال، به نبود شاخص مربوط به کاهش مواد مخدر در چارچوب حسابدهی دوجانبه توكیو توجه شود. مشابه به این، احتمالاً حکومت پس از سال ۲۰۱۴ میلادی نه تنها به موضوع مواد مخدر که به مسایل مهم دیگری چون حقوق بشر، حقوق زنان، دموکراسی و فساد نیز رسیدگی لازم را ننماید. این موضوع باعث نشده است که کشورهای کمک دهنده دستکم فعلاً به صورت آشکار در مورد آن حرف زنند و توجه دولت به آن را جلب ننمایند.

آنانی که با شور و حرارت در مورد مبارزه با مواد مخدر حرف می زنند، نیز گره از مشکل باز کرده نمی توانند. چون، عمدتاً در این جا موضوع انگیزه ها و منافع افراد مطرح می گردد. در برخی از موارد، آنانی که در مورد مبارزه با مواد مخدر حرف می زنند، انگیزه اصلی شان کاهش استفاده از مواد مخدر در کشور شان است، این در حالی است که این موضوع تاثیری بالای قیمت ها و دستیابی به مواد مخدر نخواهد داشت^{۱۳}. همچنان بخشی از سخنان در مورد مبارزه با مواد مخدر از سوی برخی ها به منزله کارزاری برای ایجاد ترس است که گویا در کشور "سرزمین خشخاش" و "دولت مواد مخدر" ایجاد خواهد شد. چون، این یکی از راه های ایجاد تحرک و بسیج افکار عمومی علیه مواد مخدر است، بدون این که فراتر از ترغیب و تهیج راهکار دیگری جهت از بین بردن کوکنار پیشنهاد کرده باشد.

سازمان های انکشافی در افغانستان شاید احساس کنند که مسوولان و کنشگران مبارزه با مواد مخدر می خواهند به تنهایی عمل نمایند. آنها چنین تصور می نمایند که فعالان امر نمی توانند و یا نمی خواهند که تاثیر اقدامات خود را بالای سایر فعالیت ها و بخش ها، به ویژه اهداف بلندمدت انکشافی، مشاهده نمایند. همچنان ظن این است که به رغم بیانات در مورد فراگیر بودن دامنه تاثیر و اهمیت مواد مخدر، عملکرد حامیان پالیسی ها و رویکرد های فعلی مبارزه با مواد مخدر این است که موفقیت خود را از روی محو نمودن میزان مزارع خشخاش و مواد مخدر در هر سال اندازه گیری می نمایند. واقعیت این است که اولویت دادن سیاسی به تلاش ها جهت مبارزه با مواد مخدر در گذشته همواره موثر نبوده است.

منتقدان به رویکردهای انکشافی نهاد ها و سازمان های اصلی مبارزه با مواد مخدر می تازند. در حالی که دفتر جرایم و مواد مخدر سازمان ملل خواهان برنامه اولویت ملی (NPPS) مبارزه با مواد مخدر است^{۱۴}، وزارت مبارزه با مواد مخدر تلاش های خود را معطوف به فراهم آوری محصولات زراعتی - از قبیل تخم گندم و کود کیمای - برای دهقانان در قالب برنامه "زون غذایی" است. بسیاری ها در سکتور توسعه، این ایده که مواد مخدر موضوع فراگیر و دارای شمولیت عام در تمام برنامه ها و استراتژی ها است، را زیر سوال می برند. آنها این واقعیت را نادیده می گیرند که کاهش پایدار در کشت و تولید مواد مخدر با مداخله و اقدام یک سکتور توسط یک وزارت و یک نهاد به دست آمده نمی تواند.

در حال حاضر، یکی از چالش های عمده گروه ها و افرادی با منافع متفاوت و متضاد یک دیگر در نهاد های مختلفی اند که بر سر تعیین اولویت در مساله مواد مخدر پس از سال ۲۰۱۴ باهم اختلاف نظر دارند. نهادها و گروه های فعال در بخش مبارزه با مواد مخدر مایل هستند که این موضوع از اهمیت بالا برخوردار باشد، در حالی که نهاد های بخش توسعه و سیاست آرزو می نمایند که این موضوع به کلی فراموش شود. آنچه که در این مبحث فراموش می شود تحلیل واقع بینانه از نقش مواد مخدر در آینده افغانستان و تاثیر آن بالای روند های پیچیده و چند بعدی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است.

^{۱۳} UK Prime Minister's Strategy Unit, "Strategy Unit Drugs Report: Phase One— Understanding the Issues" (London: Prime Minister's Strategy Unit, 2003), <http://www.counthosts.org/sites/default/files/Strategy%20Unit%20drugs%20report.pdf> (accessed 8 August 2013).

^{۱۴} See MCN, "National Alternative Livelihoods Policy" (Kabul: MCN, 2012), 34. Emma Graham Harrison, "Afghanistan: high expectations of record opium crop," The Guardian, 15 April 2013.

^{۱۱} Special Inspector General for Afghanistan Reconstruction, "18th Quarterly Report to the United States Congress" (Arlington, VA: SIGAR, 2012), 89-93.

^{۱۲} The SIGAR Report cites appropriations of \$51.15 billion for security; \$22.39 billion for governance and development; \$6.15 billion for counter-narcotics; \$2.4 billion for humanitarian aid; and \$6.64 billion for operations and oversight (page 55). The appropriations for counter-narcotics include funds for eradication, the MCN's Good Performers Initiative, Counter Narcotics Public Information and counter-narcotics reports, as well as money for the Counter Narcotics Police of Afghanistan and interdiction operations.

۲- روند انتقال: بگذار صدها گل بشگند

برنامه در کنار ارایه مشوق های زراعتی به دهقانان، تهدید به تخریب مزارع کوکنار نیز از سوی دولت وجود دارد- از سوی گلاب منگل، والی هلمند تطبیق شد، و به خاطر کاهش شدید میزان کشت کوکنار مورد تقدیر قرار گرفت. برای همین، ابتکار مشابه در ولایت های بدخشان، ننگرهار، فراه، ارزگان و قندهار نیز روی دست گرفته شد.

با نزدیک شدن زمان انتقال مسوولیت های امنیتی، تداوم دستاورد های حاصله در ولایات نمونه زیر سوال قرار گرفته، و به خوبی نشانه های بازگشت به وضع قبلی در آنجا دیده می شود. در هر یک از ولایات، کاهش در کشت کوکنار در مناطق نزدیک به مراکز- جای که همواره دولت حضور قوی داشته و امکانات بیشتری مهیا است- روز تا روز با دشواری مواجه می شود. در واقعیت امر، آمار کشت کوکنار به صورت کلی در هلمند و ننگرهار افزایش پیدا کرده که این خود سوال های زیادی را در مورد موفقیت ولایات نمونه در امر مبارزه با مواد مخدر را پس از خروج نیروهای ناتو از افغانستان به وجود می آورد. حتا در ولایت بلخ که ارتباطی میان حضور نیروهای ناتو و فعالیت های مبارزه با مواد مخدر وجود نداشته است، معلوم نیست که تغییرات نظامی و سیاسی در دوران انتقال مسوولیت ها تا چه میزانی در افزایش کشت کوکنار موثر خواهد بود.

گفته می شود که بر اساس مدل موجود مبارزه با مواد مخدر در ولایات نمونه، با تمام کشاورزان به صورت همسان برخورد شده و تمام مناطقی که تحت کشت کوکنار قرار دارد، محو خواهد گردید. البته، چنین کاری نیاز به اعمال وسیع تر حاکمیت دولتی حتا در مناطقی است که از دیرباز حکومت افغانستان بر آنجا کنترولی نداشته و مردم در روستاها نیز منابع لازم معیشتی را برای صرف نظر کردن از کشت کوکنار در اختیار ندارند تا به مدد آن زیان های مالی آن را جبران کنند. در نهایت، تلاش برای برخورد مساوی با تمام کشاورزان دارای پیامد های متفاوت سیاسی و اقتصادی می باشد. در برخی از مناطق، مردم از کاهش زرع کوکنار و بهبود روند توسعه حمایت کرده اند؛ در برخی مناطق دیگر که بدیل مناسب معیشتی و کنترل دولت وجود نداشته، آنها موجودیت دولت را زیر سوال برده و زمینه را برای نیروهای مسلح مخالف آماده ساخته اند.

ننگرهار: عقب نشینی دولت^{۱۶}

واضح است که الگوی کنترل مواد مخدر در ننگرهار در حال سقوط است، و میزان سالانه کشت کوکنار روند صعودی خود را می پیماید. پس از دریافت نام "ولایت بدون کوکنار" در سال ۲۰۰۸ میلادی، کوکنار به صورت آهسته آهسته به مزارع ننگرهار برگشت. در سال ۲۰۰۹ میلادی تنها ۲۹۴ هکتار زمین در خدمت کشت خشخاش بود اما به بنا به تخمین گزارش اداره جرایم و مواد مخدر سازمان ملل این رقم در سال ۲۰۱۲ میلادی به ۳،۱۵۱ هکتار افزایش پیدا کرد. البته، در واقع این رقم به ۴،۰۰۰ هزار هکتار می رسد

هم حکومت و هم جامعه جهانی بایستی با این واقعیت رو به رو شوند: تولید مواد مخدر نه تنها در حال افزایش است، بلکه در سال های آینده بیشتر و بیشتر هم خواهد شد. UNODC تخمین می زند که بین سال های ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲ میلادی ۱۸ درصد در کشت کوکنار افزایش به عمل آمده است^{۱۴}. قبلا در سال های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱ هفت درصد افزایش پیدا کرده بود. به صورت کلی، این ارقام نشان دهنده گسترش جغرافیای کشت کوکنار است که بنا به یک تخمین اراضی زیر کشت از ۱۲۳،۰۰۰ هکتار در سال ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰ به ۱۵۴،۰۰۰ در سال ۲۰۱۲ رسیده است. تخمین حکومت امریکا بیشتر از این است. یعنی، در زمان مشابه، از ۱۱۵،۰۰۰ در ۲۰۱۱ به ۱۸۰،۰۰۰ در ۲۰۱۲ گسترش یافت.

شواهد و تحقیقات میدانی نشان می دهد که کشت کوکنار در سال ۲۰۱۳ افزایش بیشتر پیدا می نماید، و تردیدی نیست که در سال های بعدی، تولید و تجارت مواد مخدر نقش مهم در اقتصاد سیاسی افغانستان بازی خواهد نمود. به خصوص، نشانه هایی وجود دارد که مدل عملی شده کنترل مواد مخدر در ولایت های ننگرهار، بلخ و هلمند با ناکامی رو به رو شده و یا زیر فشار قرار دارد. نشانه های نگران کننده حاکی از آن است که آن عده از ولایت هایی که قبلاً "فارغ از کوکنار" معرفی شده بودند، به سوی کشت مجدد تمایل پیدا کرده اند. بر اساس گزارش دفتر جرایم و مواد مخدر سازمان ملل، در سال ۲۰۱۳ تنها در ۱۴ ولایت کوکنار کشت نمی گردد. این در حالی بود که در سال ۲۰۱۲ میلادی این رقم به ۱۷ ولایت می رسید. احتمالاً ولایت های بلخ، فاریاب و تخار هر یک بیشتر از ۱۰۰ هکتار زمین برای کشت کوکنار خواهند داشت^{۱۵}. فراتر از این، آمار نشان دهنده آن است که در اثر پیشرفت های تکنولوژیک، زمین های بایر و صحرایی بیشتری برای کشت کوکنار آماده شده است. با قابل دسترس شدن بیشتر این گونه تکنولوژی ها، زمین های زیادتری برای کشت کوکنار مساعد گردیده و افغانستان بیشتر از گذشته سهم کلان در تولید جهانی تریاک پیدا خواهد کرد. به ویژه در این روند، خساراتی که در سال های اخیر کشاورزی در برخی از مناطق از ناحیه امراض نباتی و سایر عوامل متحمل شده، نیز نقش ایفا کرده می تواند.

مدل های شکست خورده؟ ننگرهار، بلخ و هلمند

در طی سالیان متمادی، اعضای حکومت و جامعه جهانی از والیان ننگرهار و بلخ به خاطر اقدامات شان در جهت محو کوکنار ستایش کرده اند. به ویژه عطا محمد نور، از سال ۲۰۰۷ میلادی به این سو، لقب والی "ولایت بدون کوکنار" را نصیب خود نموده است. تلاش های گل آغا شیرزی در امر مبارزه با مواد مخدر باعث شد که در ولایت ننگرهار زمین های تحت کشت کوکنار در سال ۲۰۰۷ میلادی از ۱۸،۷۳۹ هکتار به صفر در سال ۲۰۰۸ میلادی تقلیل نموده و تا سال ۲۰۱۰ میلادی کشت کوکنار را در پایین ترین سطح خود نگهدارد. در این اواخر در هلمند "زون غذایی" - که در این

^{۱۶} This section is based on fieldwork undertaken in April 2013, as well as previous rounds of fieldwork in Nangarhar. See David Mansfield, "Between a rock and a hard place: Counter-narcotics efforts and their effects in the 2011-12 growing season" (Kabul: AREU, 2011); David Mansfield, "All Bets are off! Prospects for (B)reaching agreements and drug control in Helmand and Nangarhar in the run up to transition" (Kabul: AREU, 2013).

^{۱۴} UNODC/MCN, "Afghanistan Opium Survey 2012: Summary Findings" (Kabul: UNODC/MCN, 2012).

^{۱۵} UNODC/MCN, "Afghanistan Opium Risk Assessment 2013" (Kabul: UNODC/MCN, 2013), 2.

شکل اول: کشت وسیع کوکنار، آچین بالا، ننگرهار، اپریل ۲۰۱۳



با شینوار است، با وجود گزارش های رسمی مقدار کمی از مزارع مذکور پاکسازی شد. گزارش های رسمی در مورد محو کوکنار در ولسوالی های دیگری چون کوت اغراق آمیز است. فراتر از این، یک نوع تعامل میان کشاورزان وجود دارد که در صورتی یک دهقان از بخشی از کشت خود صرف نظر نماید، این مقدار از سوی سایر دهقانان جبران می گردد. به بیان یکی از مقامات یک ولسوالی، «من خود متخصص از بین بردن یک مقدار کمی از مزارع کوکنار و بعد بزرگنمایی آن هستم.» در حالی که برخی از گزارش ها در مورد فساد و رشوه گیری به خاطر عدم محو مزارع مذکور وجود دارد، در بسیاری از قضایا مقامات محلی برای پوشاندن ضعف حکومت در قسمت محو موثر کشت خشخاش، دست به دامن مردم و منتفدین محل در قسمت مبارزه با کشت کوکنار می گردند. (جدول ۲ نگاه شود)

ولسوالی خوگیانی یک مثال خوبی برای درک پالیسی ها و راهکارهایی است که اهداف گوناگون و متضاد هم را دنبال می کند. البته، دولت سعی دارد میان اهداف مذکور توازن برقرار نموده و از تضاد شان بکاهد. حکومت مایل نیست تلفاتی که به خاطر محو مزارع کوکنار در اپریل ۲۰۱۲ میلادی اتفاق افتاد، دوباره تکرار شود. در آن زمان در اثر برخورد ها ۴۵ نفر کشته و ۳۶ تن دیگر زخم برداشتند. از همه مهمتر، قوای مسلح افغان به هیچ صورت نمی خواهد که موفقیت های به دست آمده در جریان سه عملیات ضد شورش در جریان زمستان ۲۰۱۳/۲۰۱۲ میلادی را از کف بدهد. در واقعیت، تصور مردم در قریجات این بود که فرمانده اصلی نیروهای امنیتی افغان در منطقه که عملیات های مذکور را رهبری کرده بود، به بزرگان محلی اعلام داشت که امسال کوکنارهای آنان تخریب نخواهد گرفت.

اقدامات اخیر گل آغا شیرزی، والی ننگرهار، بیشتر ضعف حکومت را برای مردم محلی به نمایش گذاشت. از آن جای که همانند سال های ۲۰۰۷/۲۰۰۸ میلادی و ۲۰۰۹/۲۰۰۸ میلادی برای اعمال ممنوعیت کشت کوکنار به مراکز ولسوالی ها رفته نمی تواند، از این خاطر بنا به گزارش هایی از مقامات ولسوالی ها خواسته است که دست به تخریب مزارع کوکنار بزنند. به صورت کلی، شاید والی ننگرهار بیشتر نگران چالش ها و مشکلات کلانتری که در جلال آباد در برابر قدرت رسمی و منافع اقتصادی اش

ولی ۷۸۴ آن توسط مقامات محلی محو شد^{۱۷}. حکومت امریکا کشت کوکنار را در این ولایت ۴،۴۰۰ هکتار زمین تخمین می زند.

آنانی که هنوز ننگرهار را به عنوان ولایت موفق به حساب می آورند، به رقم بالای ۱۵،۰۰۰ الی ۲۰،۰۰۰ هکتار زمینی اشاره می نمایند که در دهه ۱۹۹۰ میلادی در خدمت کشت کوکنار قرار داشت، و تولید مواد مخدر بیشتر در ولسوالی های جنوبی نزدیک به پاکستان متمرکز بود. به هر صورت، در حالی که قبلا جغرافیای کشت کوکنار محدود بود، تا سال ۲۰۱۳ میلادی، دامنه کشت کوکنار نه تنها به دهکده های بالای دامنه های کوه سپین غر بلکه به دهکده های پایین نیز رسیده، و تقریباً روز تا روز به سمت شهر جلال آباد نزدیک می گردد.

در واقعیت، تحقیقات میدانی اخیر نشان می دهد که کشت خشخاش تقریباً در تمام زمین های دهکده های بالایی خوگیانی و آچین در ۲۰۱۳/۲۰۱۲ میلادی صورت گرفته است. در مقابل، تنها زمین محدودی علفه برای تغذیه چهارپایان وجود داشته و تقریباً هیچ زمینی برای کشت گندم اختصاص داده نشده است (به جدول ۱ نگاه شود). در قریجات پایینی نزدیک به مراکز ولسوالی های کهی و کرغه، کشت کوکنار کاهش پیدا نموده اما هنوز بین ۲۰ تا ۳۰ درصد زمین های قابل کشت را به خود اختصاص داده است. اکنون نشانه هایی از کشت محدود کوکنار در فتح آباد، نزدیک به ولسوالی خوگیانی، و همچنان مناطق کناری کوه های تورغار در سرخورد، و سیاه چوب در شینوار بالا به چشم می آید. کشت کوکنار همچنان به صورت چشمگیری در چپرهار نیز افزایش یافته است. همچنان شواهد نشان می دهد کوکنار ریشه های خود را به صورت عمیق در تمام این مناطق باز دوانیده است. با توجه به این که کشت خشخاش در این مناطق برای مدت طولانی تری ادامه خواهد یافت، به همین رو سیستم موسوم به سلام (یا همان سیستم پیش فروش محصولات آینده) برای اولین بار از سال ۲۰۰۷ میلادی به منطقه بازگشته است. در منطقه شادال تریاک به صورت آشکار در بازار خرید و فروش می شود^{۱۸}.

به نظر نمی آید که حکومت زور لازم را برای محو مزارع کوکنار در ولسوالی های بالایی ننگرهار داشته باشد. در واقعیت، ساکنان آچین بالا به صورت چشمگیری زمین های خود را به کشت کوکنار در سال ۲۰۱۳ میلادی اختصاص دادند و به نظر نمی آید که ترسی از بابت از دست دادن کوکنار های خود توسط حکومت داشته باشند. در مناطق پایینی آچین که همجوار

^{۱۷} UNODC/MCN 2012, 10. The 2011 Survey also points out: "It is worth noting that while every effort is made to ensure that all areas in which poppy is grown are covered by satellite imagery, it is only in the provinces of Badghis, Dai Kundi, Farah, Helmand, Kandahar, Nimroz, Uruzgan and Zabul where imagery collection is based on a representative sample and confidence intervals are calculated for the level of cultivation." In the 26 "target" provinces, including Nangarhar, Balkh and Badakhshan, "the approach assumes that all areas were identified and covered by imagery," and therefore "area estimates should be considered as a minimum estimate." See UNODC/MCN, "Afghanistan Opium Survey 2011" (Kabul: UNODC/MCN, 2011), 92

^{۱۸} Although it is interesting to note that, as in the 1990s, the Taliban have adopted a more punitive position on cannabis; trade in hashish is prohibited and has to be conducted by farmers "in secret" (although cultivation is plainly visible).

شکل دوم: نتیجه کمپاین محو کوکنار در معروف چنار، آچین پایین، ننگرهار، اپریل ۲۰۱۳



مدنظر گرفت. اما یک چیز روشن به نظر می آید که کشت کوکنار افزایش خواهد یافت، و حتا ظرفیت بازگشت به میزان زرع دهه نود میلادی را نیز دارد، مگر این که بحران موجود در رهبری سیاسی این ولایت از بین برود. اگر بن بست موجود از این نیز خرابتر گردد، به احتمال قوی کشت کوکنار به مناطق پایینی، و بیشتر به مناطق قابل دسترس ولایت مذکور، از جمله مناطق زراعتی که از قنات ها و کانال های آبی مستفید می گردند، کشیده شود. نمای رویش بوته های کوکنار در کنار شاهراه اصلی بار دیگر به مردم قدرت و ضعف دولت را به بوته آزمایش خواهد گذاشت.

بلخ: در لبه لغزش؟^{۲۰}

شک و تردید ها در مورد موفقیت مدل بلخ نیز به چشم می خورد و چالش های مدل مبارزه با مواد مخدر در تمام سطوح ولایت را برجسته می سازد. اقدامات اداره ولایت علیه مواد مخدر از سال ۲۰۰۷ میلادی پیگیری بوده است، و UNODC بار دیگر در سال ۲۰۱۲ میلادی این ولایت را عاری از کشت کوکنار اعلام داشت. به هر صورت، همچنان که مقامات آن در جریان این تحقیق اذعان داشتند، « بلخ می تواند ولایت عاری از کوکنار باشد، اما نه به میزان سال گذشته.»

با نظارت محدودی که بر این ولایت از سوی UNODC و هم چنان مرکز جرایم و مواد مخدر حکومت امریکا از طریق ستلایت صورت گرفت، تخمین زده می شود که در سال ۲۰۱۲ میلادی ۶۴۰ هکتار زمین در این ولایت برای کشت کوکنار مورد استفاده قرار گرفته است، و در عین حال اقدامات رسمی به منظور محو آن مشخص نیست.^{۲۱} سال گذشته، در آغاز ماه می گزارش های در مورد امحای بی ثمر کشت کوکنار انتشار یافت که ظاهراً

از سوی فرماندهان سابق جهادی و وابستگان شان به وجود آمده است تا این که خود را با مردم در روستاها درگیر نماید. ولسوال خوگیانی با توجه به درک محدود بودن حاکمیت دولت بر مناطق و مرحله آخر فصل درو، حاضر به گفتگو و معامله با صاحبان مزارع کوکنار شد که بر اساس آن هر منطقه یک مقداری از محصولات خود را نابود سازد. اما بزرگان محلی با این درخواست موافقت نکرده و در اپریل ۲۰۱۳ موسم حاصل گیری کوکنار آغاز گردید. گزارش ها از منطقه حاکی از این بود دهقانان حتا حاضر نبودند که محصولات خراب خود را حتا به صورت «نمایشی» و «تهیه عکس برای خارجی ها» نیز از بین ببرند. برای آنها وعده داده شد که در برابر محصولات محو شده خسارت پرداخت خواهد شد. اما بسیاری از کشاورزان باور داشتند که «خارجی ها» ۳۰۰ میلیون دالر را برای محو کوکنار اختصاص داده اند ولی مقامات محلی می کوشند که «تمام این پول ها را برای خود» بردارند.

امسال تلاش ها برای از بین بردن بوته های کوکنار از آن روی بی نتیجه ماند که محصولات بهتر که نظیر آن از لحاظ ضخامت و بزرگی تنها چند بار در هر ده سال به بار می نشیند، نصیب کشاورزان گردید. همچنان، مردم در دامنه های سپین غر نیازمندی عاجل اقتصادی به حاصل و فروش محصولات خود دارند. این منطقه دارای زمین کم و جمعیت بزرگ بوده که از سال ۲۰۰۷ میلادی کوکنار کشت نکرده بودند. از همه مهمتر، قیمت غذا و محصولات زراعتی در این منطقه افزایش یافته است، کمک های بین المللی کاهش نموده و اقتصاد جلال آباد نیز رونق گذشته را ندارد.^{۱۹}

به صورت کلی، کشاورزان باور دارند که بهترین محصول را در زمان درست آن به دست آورده و ارزش جنگیدن در برابر هر نیرویی را دارد. حکومت این موضوع را به خوبی درک کرده و به دنبال بهترین راه برای نمایش جدیت خود در امر مبارزه با زرع کوکنار است، بدون این که خصومت های محلی را علیه خود برانگیزاند.

با این وصف، سرنوشت ننگرهار در سال ۲۰۱۴ چی خواهد بود، و با توجه به این که یکی از راه های اصلی مواصلاتی و تجارتي با پاکستان است، چه تاثیری بالای کابل خواهد داشت؟ ناتوانی حکومت در امر مبارزه با کشت کوکنار پس از خروج نیروهای خارجی از افغانستان به چه صورتی در خواهد آمد؟ در حال حاضر با توجه به موضوعات گوناگون در افغانستان، به سختی می توان پیش بینی در مورد آینده ننگرهار کرد، به ویژه اگر میزان نا امنی موجود و اختلافات میان سران و نخبگان سیاسی را در آنجا نیز

^{۲۰} This section is based on fieldwork undertaken in April 2013, as well as previous rounds of fieldwork in Balkh. See Paul Fishstein, "A Little Bit Poppy-free and a Little Bit Eradicated: Opium poppy cultivation in Balkh and Badakhshan provinces in 2011-12" (Kabul: AREU, 2013).

^{۲۱} The UNODC/MCN Afghanistan Opium Survey 2011 offers a map of the satellite imagery for the area covered in Balkh during the 200/11 growing season. This map shows only a small area of coverage in Chimtalt District. See "Afghanistan Opium Survey 2011.", 85. The 2012 Survey indicates that there was no satellite imagery for Balkh during the 2011/12 growing season. See "Afghanistan Opium Survey 2012," 74.

^{۱۹} In April 2013, labourers in Jalalabad reported that although wage labour rates had continued to rise over the last 12 months, increasing from PR 450 PR to PR 500 PR per day (or from \$4.40 to \$4.90), there were significantly fewer days available and a larger number of prospective workers in the marketplace each day competing for work. They also complained that real wages had fallen due to the rising cost of food items. This is supported by the World Food Programme, which estimated that the daily wage for unskilled work would purchase 35 percent less wheat flour in March 2013 than it did during the same month in 2012. See World Food Programme, "Vulnerability Analysis and Mapping—Afghanistan: Initial market Price Bulletin for the Month of March 2013" (Kabul: WFP, 2013), <http://documents.wfp.org/stellent/groups/public/documents/ena/wfp256835.pdf> (accessed 8 August 2013).

شان در امر مبارزه با مواد مخدر را ابراز کرده اند.^{۲۳} همانند سایر نقاط، اتهاماتی مانند اخذ پول از زراعین کوکنار و حتا سهم گیری در کشت آن علیه پولیس محلی وجود دارد. چنانچه یکی از ناظران گفت، «آنها مسوول تامین امنیت هستند، اما محو کوکنار بخشی از وظیفه شان نمی باشد.» امنیت در این ولایت می تواند متأثر از خراب شدن اوضاع در ولایت های همجوار چون فاریاب، جوزجان و سرپل نیز شود.

هلمند: ظرفیت چه وقت لبریز خواهد شد؟^{۲۴}

کشت کوکنار در هلمند نیز رو به افزایش است. UNODC گزارش می دهد که بین سال های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۲ میلادی در میزان کشت ۱۹ درصد افزایش بعمل آمده است؛ بنا به تخمین حکومت امریکا، این رقم بالاتر از این حرفها است و به ۴۷ درصد می رسد.^{۲۵} حتا در مناطقی که تحت پوشش برنامه زون غذایی نیز قرار دارد، در میزان کشت از ۲۶،۶۳۲ هکتار در سال ۲۰۱۱ میلادی به ۳۲،۲۹۹ هکتار زمین، یعنی ۲۱ درصد، ازدیاد به عمل آمده است.^{۲۶} در حالی که UNODC میزان پایین تر کشت را در مناطق مذکور در سال ۲۰۱۲ میلادی (یعنی تنها ۲۰،۲۴۱ هکتار) گزارش داد،^{۲۷} اما ارزیابی سال ۲۰۱۳ میلادی این نهاد نشان داده است که این میزان در فصل کشت در ۲۰۱۲/۲۰۱۳ میلادی به خاطر قیمت های بالا و به خاطر جبران کردن برداشت کم محصول در اپریل/ می ۲۰۱۲ میلادی ازدیاد پیدا خواهد کرد.^{۲۸}

به دشواری می توان میزان کشت کوکنار در سال ۲۰۱۳ در ولایت هلمند را پیش بینی کرد. تحقیقات میدانی در فصل کشت در هلمند مرکزی نشان می دهد که کشاورزان به صورت آشکار قصد زرع در ساحات غربی نادى علی و مارجه، و همچنان در ولسوالی نهر سراج در اطراف گرشک را دارند. به هر حال، پژوهش میدانی در اپریل/ می ۲۰۱۳ میلادی خاطر نشان ساخت که نیروهای امنیتی محلی در مارجه و نادى علی بالای دهقانان به خاطر تخریب مزارع کوکنار فشار آوردند. پولیس محلی نقش برجسته ای در این روند بازی کرد، اما نباید از دلایل کار شان اغفال شد. آنها از این ترس دارند که در صورت موجودیت کوکنار در مناطق تحت ماموریت شان، شاید وظایف خود- و به تعقیب آن شبکه های وابسته به خود و مزایای دیگری ناشی از ماموریت- را از دست بدهند.

در مراحل اولیه پس از برخورد موظفین کمپاین مذکور با یک ماین دست ساخت در یکی از کشتزارها متوقف گردید. امسال، اجرای کارزار مذکور جدی به نظر می آید. قرار است که در سه مرحله و در طول دو ماه انجام یابد. در مرحله آخر، تراکتورها به مزارع فرستاده شده و به مدت ده روز دست به امحای کوکنار خواهند زد. این کارزار جدی و خشن شاید نشان دهنده تصدیق مشکل گسترش کشت کوکنار در این ولایت باشد که جدیت حکومت را ایجاب کرده است. به هر صورت، در مورد مدت زمان تخریب و همچنان این که امحای مزارع کوکنار تنها محدود به کشتزار های کنار جاده خواهد بود، سوال هایی وجود دارد.

گزارش ها در مورد تداوم کشت کوکنار در این ولایت توأم با بی امنیتی در بخش هایی از ولسوالی های چمتال و چاربولک است. امنیت در تعدادی از مناطق این ولسوالی ها بهتر شده است که در این قسمت پولیس محلی افغان نقش موثر داشته است. اما حکومت بالای ساحات غربی ولایت کنترل چندانی ندارد. طالبان و حزب اسلامی با نفوذ و تسلط بر این مناطق زمینه مساعد کشت کوکنار را فراهم ساخته اند. البته، به نظر می آید که امنیت در مناطقی که قبلاً در آن کشت کوکنار صورت می گرفت، بهتر شده و دهقانان از سهولت های انکشافی چون جاده های تازه بهره می برند. در کنار این پایین آمدن هزینه های نقل و انتقال به خاطر استفاده از بارکش های زرنج، به دهاقین اجازه می دهد که سبزیجات خود را به بازارهای مزارشریف انتقال دهند. بی توجه به مناطق تحت زرع، به نظر می آید که تولید تریاک به نسبت سال قبل که بارش ژاله و تگرگ بخش عمده محصولات را از بین برد، افزایش یافته است. سیل های شدید در بهار امسال در چمتال و بلخ اثری نداشته است، و در کلیت محصولات زراعتی به نسبت پارسال وضعیت بهتری داشته اند.

آینده زرع کوکنار در ولایت بلخ در یک سطح کلی ارتباط نزدیک با عملکرد اقتصاد کشور دارد که به خاطر روند انتقال مسوولیت ها و سایر عوامل سیاسی منطقه ای با یک آینده نا معلومی رو به رو می باشد. در جریان بهار ۲۰۱۳ میلادی گزارش ها حاکی از این بود که بازار کار های ساختمانی در مزار شریف کساد بوده و دستمزد ها هم پایین آمده است. ساخت و ساز یکی از منابع مهم معیشتی برای مردم در ولسوالی های اطراف شهر و مناطق دور افتاده در این ولایت به حساب می آید. کاهش کارهای ساختمانی در ارتباط به وضعیت نا معلوم پس از سال ۲۰۱۴ میلادی قابل درک است که سرمایه ها به بیرون از کشور انتقال داده شده و بسیاری از فعالیت ها و سرمایه گذاری ها به حالت تعلیق در آمده اند. همچنان گزارش هایی در مورد کم شدن مهاجرت کارگران افغان به ایران به خاطر کاهش ارزش ریال ایرانی در برابر پول افغانی در دست است.^{۲۹} هر دوی این عامل مقدار ورود پول از خارج به خانواده ها در این ولایت کم ساخته است.

در حالی که اعتبار بهتر شدن امنیت در بخش های از چمتال و چاربولک به پولیس محلی افغانستان داده می شود، اما پرسش های زیادی در ارتباط به تاثیرات بلندمدت این نیرو وجود دارد. با توجه به سابقه فرصت طلبانه و دم می مزاجی بسیاری از فرماندهان پولیس محلی، بسیاری از مردم در مورد نقش آنان شک و تردید داشته، و بارها نگرانی خود را از تعهد و وفاداری

^{۲۳} This has devalued by roughly one-third since January 2009, largely due to Western economic sanctions. See Paul Fishstein, "Balkh's Economy in Transition" (Kabul: AREU, 2013).

^{۲۴} This section is based on fieldwork undertaken in April 2013, as well as previous rounds of fieldwork in Helmand. See David Mansfield, "Between a rock and a hard place: Counter-narcotics efforts and their effects in the 2011-12 growing season" (Kabul: AREU, 2011); David Mansfield, "All Bets are off! Prospects for (B)reaching agreements and drug control in Helmand and Nangarhar in the run up to transition" (Kabul: AREU, 2013).

^{۲۵} UNODC reported that opium poppy cultivation in Helmand increased from 63,307 ha to 75,176 ha, while the US government estimated that cultivation rose from 61,500 ha to 90,500 ha over the same period.

^{۲۶} Cultivation is still well below the amount in the Food Zone in 2009 and 2010, when the US government estimated 45,917 ha and 40,972 ha respectively.

^{۲۷} The Executive Director's Preface states: "less poppy was cultivated within the confines of the Hilmand 'Food Zone', where agricultural support programmes are implemented." At the same time, UNODC only offer an estimate for the scale of cultivation within the Food Zone during 2012. See MCN/UNODC 2012: page 13).

^{۲۸} UNODC/MCN, "Afghanistan Opium Risk Assessment 2013" (Kabul: UNODC/MCN, 2013), 1.

^{۲۹} This has devalued by roughly one-third since January 2009, largely due to Western economic sanctions. See Paul Fishstein, "Balkh's Economy in Transition" (Kabul: AREU, 2013).

به ویژه گوشت لاندی^{۳۹} و لبنیات نیز استفاده می گردند. زمین باقی مانده که بین ۴۰ تا ۶۰ درصد زمین زیر کشت در فصل زمستان را در بر می گیرد، به کشت کونکار اختصاص داده می شود. در تابستان، خانوادهها معمولاً به زرع جواری، ماش، پخته، تربوز و خربوزه روی می آورند.

در نبود کونکار، دهقانان بی زمین در مناطق نزدیک به نهر وضعیت معیشت شان بدتر می گردد. چون زمین لازم جهت کشت را در اختیار ندارند. همچنان، کشت محصولات غیر از کونکار در بسیاری از نواحی نادى علی و مارجه نیاز به استخدام کارگر نداشته و خود زمین دار به نوعی از پس آن بر آمده می تواند. از هنگام ممنوعیت کونکار، دهقانان بی زمین به دشواری می توانند زمین و خانه ای در مناطق نزدیک به نهر پیدا نمایند. به خاطر همین کمبود فرصت و داشتن مجبوریت دهقان مذکور در موقعیتی نیست که در بدل کار و زحمات اش سهم لازم و مرسوم را از محصولات بر دارد. دهقانان بی زمین باید بالای زمین های بزرگتر نزدیک به ۱۵ جریب کار نمایند تا در نهایت آنچه را که لازم دارند، به دست آورند. این مقدار زمین کار را برای سایر دهقانان بی زمین کاهش می دهد.

به دست آوردن یک پنجم محصولات کم ارزش تری چون پخته، جواری و ماش منجر به این می شود که دهقانان بی زمین از کمیت و کیفیت غذا های خود کاسته، پول کمی برای تداوی بیماری ها داشته، و سرمایه های اساسی خود چون موآشی را بفروشند. نداشتن گوشت لاندی و لبنیات به خاطر فروختن گوسفندان و گاوها هر چه بیشتر از رفاه شان می کاهد. بر آورده ساختن مسوولیت های اجتماعی چون ازدواج و مراسم فاتحه^{۴۰} باعث افزایش قروض شده و گزینه دیگری برای کارگران جز رفتن به مزارع کونکار را باقی نمی گذارد. آن عده از مردانی که صاحب زمین نیستند کمترین کمک های انکشافی مانند کمک های زراعتی از قبیل تخم بذری، کود کیموای و واترپمپ را به دست آورده می توانند تا خود را با هزینه های ممنوعیت کونکار عیار سازند.

به هر حال، افراد بی زمین تنها گروه تحت فشار نیست. در بسیاری از نواحی مارجه و نادى علی، دهقانان به رغم کاهش قیمت ها، به کشت محصولات ارزان تری چون گندم، جواری، ماش و پخته ادامه می دهند. این خود نبود بازار برای محصولات با ارزش را در این مناطق نشان می دهد. در حالی که عاید کمی از این محصولات به دست می آید، اما با این حال دارای خطر اقتصادی کمتر بوده و بیشتر برای مصرف خود خانواده به کار می آید. به عنوان مثال، گندم و جواری هم توسط خانواده به مصرف رسیده می تواند و هم خوراک موآشی شده می تواند. این محصولات به رغم تا و بالایی قیمت ها در بازار برای استفاده در آینده ذخیره شده می توانند.

در عین حال، دهقانان صاحب زمین که از کشت کونکار دست کشیده و به زرع محصولات متنوع زراعتی روی آورند، به خاطر کاهش قیمت محصولات چون جواری و ماش بین سال های ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳ میلادی

در حالی که کشت کونکار در ولسوالی نهرسراج، به خصوص در مالگیر و سرقلعه در نزدیکی گرشک، متداوم و رو به افزایش است اما محدود به مناطق دور افتاده و نا امن می باشد؛ در ولسوالی های مارجه، ناد علی، لشکرگاه و نوا برکی، کشت کونکار بیشتر دور از چشم دیگران در مزارع پوشیده با دیوار های بلند صورت می گیرد. حتا گزارش ها خبر از سطح پایین کشت کونکار در نواحی سابقاً صحرايي در شمال کانال بغرا، در میان دهقانانی که ده جریب زمین و یا بیشتر را در اختیار دارند، در دست است. از سوی دیگر، کشاورزان با ترس از این که همانند سال ۲۰۱۲ در برداشت محصول کونکار خود دچار زیان و ناکامی گردند، و از جانب دیگر قیمت تریاک در فصل کشت ۲۰۱۳/۲۰۱۲ میلادی پایین بیاید، از این رو، تنها به کشت کونکار اکتفا نکرده، و به سیستم کشت دوگانه، گندم و کونکار، روی آورند.

به صورت کلی، ممنوعیت کشت کونکار در سال ۲۰۰۸ میلادی به تحرك در برخی از روند های سیاسی و اجتماعی- اقتصادی کمک کرد که این شاید تداوم کاهش کشت ماده مذکور را در مناطق تحت پوشش زون غذایی دشوار نماید. از جمله می توان به مهاجرت کشاورزان به مناطق دشتی، کاهش دسترسی به زمین و افزایش بی خانمانی در میان مردم کم زمین، فروش موآشی از روی تنگدستی، و روی آوردن به کشت کونکار به عنوان یگانه محصول زراعتی اشاره نمود.

همچنان که در مورد بلخ و ننگرهار شاهد بوده ایم، نشانه های ملموس پیشرفت اقتصادی در نواحی نزدیک به مرکز ولایت هلمند وجود دارد. در اینجا مجموعه ای از امنیت خوب، ارایه خدمات عامه و بهبود فرصت های اقتصادی در سکتور زراعت، روی معیشت دهقانان تاثیر مثبت بر جای می گذارد، و به روابط نزدیک میان دولت و مردم کمک می نماید.

به هر حال، با دور شدن از مراکز ولایت شواهد کمی در اختیار است که دهقانان دست به متنوع کردن محصول و منبع عواید خود بزنند. از سوی دیگر، خشم روز افزون نسبت به حکومت در مناطقی که کونکار و تولید تریاک به خاطر امنیت بهتر ممنوع شده اما در مقابل فرصت های کمی اقتصادی برای باشندگان وجود دارد، شکل گرفته است. در خود مناطق تحت پوشش برنامه زون غذایی کاهش در میزان کشت کونکار دهقانان بی زمین را آسیب پذیر ساخته است. البته، زمانی که کونکار به صورت وسیعی رشد می نماید، این خانواده های کم زمین بر اساس سیستم مزارعه روی زمین های که در حوزه زون غذایی قرار دارند، کار کرده و یک سوم و یا حتا نیمی از محصول کونکار را دریافت می دارند که البته میزان آن بستگی به نوعی توافق میان دهقان و زمیندار دارد. دهقان به خاطر کار روی زمین صاحب یک خانه شده و به حمایت های مالی چون قرضه دسترسی پیدا می نماید.

زمانی که برای کشت محصولات تصمیم گیری صورت می گیرد، خانواده ها به خاطر امنیت غذایی خود زمین لازم را برای کشت گندم اختصاص می دهند. آن عده که دارای موآشی اند، یک مقدار زمین خود (نه بیشتر از یک جریب و یا یک پنجم هکتار) را برای تامین علوفه اختصاص می بخشند. موآشی نه تنها به منظور خرید و فروش که جهت تامین گوشت

^{۳۹} Landi is a type of dried lamb meat, consumed largely during the winter months.

^{۴۰} Bride prices in central Helmand typically range from PR500,000 to 900,000 (\$4,890 to \$8,800). The cost of the actual wedding might add a further PR 200,000 to 300,000 (\$1,955 to \$2930) and there are further costs to meet in terms of clothes for the bride and groom and other gifts. Key informants report that there has been an increasing incidence of couples eloping in the last two to three years as a consequence of families being unable to meet the costs of marriage.

جدول ۱: عاید ناخالص بر اساس ۱۵ جریب زمین

مساحت (جریب)	برداشت	نرخ (کلدار)	عاید (کلدار)	عاید مستاجر (کلدار) ۱	عاید اجاره گیر ۲
۸	۱۹۰	۱۵۰	۲۲۸,۰۰۰	۱۵۶,۰۰۰	۴۵,۶۰۰
۱	نه	نه	.	.	.
۶	۱۷۰	۲۲۰	۲۲۴,۴۰۰	۲۲۴,۴۰۰	۴۴,۸۸۰
۴	۱۸۰	۱۰۵	۷۵,۶۰۰	۷۵,۶۰۰	۱۵,۱۲۰
۴	۱۶۰	۲۶۰	۱۶۶,۴۰۰	۱۶۶,۴۰۰	۳۳,۲۸۰
مجموع عاید ناخالص ۳					
مجموع عاید ناخالص/فرد/روزانه ۴					
			۶۹۴,۴۰۰	۶۲۲,۴۰۰	۱۳۸,۸۸۰
			۱۹۰.۲۵	۱۷۰.۵۲	۳۸.۰۵

۱- دهقانان اجاره گیر در مارچه به صورت معمول ۶۰-۷۰ من گندم در هر جریب در فصل رشد در ۲۰۱۳/۲۰۱۲ دریافت کرده اند.

۲- دهقانان بی زمین معمولاً یک پنجم محصول نهایی را دریافت می دارند.

۳- این اطلاعات به منظور تشریح نمایشی ساده سازی شده است. در واقعیت، دهقانان به دنبال به دست آوردن گندم، جواری و ماش کافی برای استفاده خود بوده، یک قسمت اش (نزدیک به سه درصد از کل محصول) را به ملا داده و یک قسمت محصول را به عنوان تخم کاشت برای فصل های دیگر نگاه می دارند. قابل یادآوری است که در مناطق نزدیک به نهر تعداد قلیلی از دهقانان ۱۵ جریب زمین دارند.

۴- فرض ما بر این است که یک خانواده ده عضو دارد که دو و یا سه عضو آن به صورت کامل کار می نمایند.

قیمت بالای تریاک در سال ۲۰۱۰ میلادی به کشاورزان در این مناطق اجازه داد که با کار روی زمین هایی با مساحت بیشتر از ده جریب سرمایه ای به دست آورند، معیشت بهتر برای خود و دیگران مهیا ساخته، و از زیر بار از دست دادن زمین، درآمد و رفاه شان که در نواحی نزدیک به نهر تجربه کرده بودند، شانه های خود را رها نمایند. به هر صورت، اکنون دهقانان گزارش می دهند که برای دو سال متواتر محصولات تریاک شان ثمر نمی دهد، و معمولاً گناه آن را "به گردن نیروهای امریکایی می اندازند که گویا آنان برای جلوگیری از بازدهی محصولات را دوا پاشی نموده اند." با توجه به آن که محصولات به دست آمده از هر جریب بین نصف یک من (واحد اندازه گیری در هلمند که معادل ۲.۲۵ کیلوگرام می شود) تا یک سوم یک من (۳.۲۷۵ کیلوگرام) می شود، زارسانی که صاحب زمین اند و یا در اجاره خود دارند، شکایت می کنند که با این میزانی از محصول حتا پول مصرف خود را نیز کشیده نمی توانند. دهقانان بی زمین مدعی اند که ۱.۲۵ تا حد اکثر ۲.۵ من از زمین های کوکنار محصول می گیرند. آن عده از کارگرانی که در فصل کشت مصروف به کار بودند، تنها یک چارک (معادل ۱.۱۲۵ کیلوگرام) تریاک را برداشت نمودند که این تقریباً معادل نصف آن چیزی است که در سال های نورمال توقع داشتند. بسیاری ها مدعی بودند که بین ۶ تا ۱۵ هزار روپیه پاکستانی را به عنوان دستمزد در مدت ۱۵-۱۸ به دست آوردند، این در حالی است که در سال ۲۰۱۱ این مبلغ به ۲۵ هزار روپیه می رسید.^{۳۴}

برزرگان بدون زمین در مناطق مذکور دارای موقعیت دشواری اند، به ویژه بی بضاعت ترین شان که توان سهم گیری در مخارج تولید را ندارند، بیشتر از یک چهارم محصول نهایی توقع بیشتری برده نمی توانند. نشانه هایی از وضعیت وخیم اقتصادی هویداست، چنانکه از کیفیت و کمیت غذای مورد نیاز خانواده ها به دلیل کم شدن درآمد کاسته شده است. امنیت غذایی این

بخشی از عواید خود را از دست دادند. این کاهش خود نتیجه روی آوردن دهقانان به کشت محصولات مذکور به خاطر ممنوعیت زرع کوکنار می باشد.^{۳۱} (به جدول ۱ توجه شود). دهقانان به طور مشخص از کاهش ارزش پخته شاکمی اند که به ۱۹۹۰-۲۲۰ روپیه پاکستانی در هر من در نوامبر ۲۰۱۲ میلادی^{۳۲} رسید. در حالی که این رقم در نوامبر ۲۰۱۱ به ۳۵۰-۴۲۰ روپیه پاکستانی می رسید.^{۳۳} آنها حکومت را به خاطر کارخانه پخته در لشکرگاه مقصر دانسته، چون مدیریت آن را بی کفایت و فاسد می دانند. تنها خانواده های از این گزند مصون ماندند که در ساحات تحت پوشش زون غذایی از مزیت تنوع محصولات، عواید غیر زراعتی، ذخیره کوکنار و یا به خصوص از زمین زراعتی (با مساحتی بیشتر از ۱۵ جریب) برخوردار بودند. خوشبخت تر کسی بود که تمام این ها را داشت.

چنانکه در بخش سوم بحث شده است، یکی از واکنش های اولیه خانوادهها در برابر از دست رفتن عواید ناشی از ممنوعیت مواد مخدر تغییر مکان دادن به نواحی سابقاً دشتی در شمال نهر بغره بوده است. مهاجرت مردم به این منطقه که شدیداً به کشت کوکنار وابسته است، بر جمعیت منطقه افزوده است. زمین های آنجا که بیشتر در اختیار قومندانان نزدیک به شیرمحمد آخندزاده، والی سابق هلمند (۲۰۰۲-۲۰۰۵)، قرار داشت، به عنوان تحفه به سایر قومندانان داده شد و آنان نیز زمین های مذکور را به قیمت ارزانتر از نواحی نهری به دهقانان فروختند.

^{۳۱} Mung bean has fallen from a price of PR 290-350/man in 2011 to PR 280-330/man in 2012 (or from \$2.80-\$3.40 to \$2.70-\$3.20); maize has fallen from PR 100-120 /man in 2011 to PR70-75 PR/man in 2012 (\$1.00-\$1.20 to \$0.70-0.75).

^{۳۲} In November 2012 there were 95 PKR to 1 USD.

^{۳۳} In November 2011 there were 85.5 PKR to 1 USD.

^{۳۴} In May 2013 there were 99 PKR to 1 USD.

برخی یک موتر خریده و به عنوان تکسی به فرد دیگر به کرایه داده اند؛ برخی دیگر تراکتور خریده و زمین ها را شخم زده تا در فصل کشت به اجاره بدهند؛ برخی دیگر دوکانی مهیا کرده و کار خرید فروش هر نوع جنسی را می نمایند؛ و دیگران موتور زرنج گرفته و محصولات را از مزرعه به بازار می برند.

در کنار تاثیرات چند برابر کوکنار و کاهش کمک های بین المللی، چه تاثیرات دیگر بالای وضع درآمد این مردم برجای خواهد ماند؟ به عنوان مثال، با کم شدن کمک های خارجی، آیا مشوق های اقتصادی برای حمایت از گسترش اقتصاد مشروع پس از منع کشت کوکنار وجود خواهد داشت و یا خیر؟ چه کسی توانایی اجاره تکسی و تراکتور را در نبود فرصت های شغلی و سرمایه گذاری محدود در اقتصاد قانونی خواهد داشت؟ کدام سکتور جایگزین بخش ساختمانی به عنوان یک منبع درآمد اقتصادی برای کارگران محلی خواهد شد؟^{۳۵}

در حالی که به خاطر مشکلات اقتصادی فشار برای بازگشت به کشت کوکنار وجود دارد، چگونگی کشت در مناطق آبدار هلمند بستگی خیلی زیاد به میزان فشار دولت، و به ویژه پولیس محلی دارد. از همین اکنون نشانه های دو دستگی و افتراق در تصمیم گیری های سیاسی به منظور اعمال ممنوعیت بر کشت خشخاش، به ویژه در مناطقی که امکانات معیشتی محدود است، به چشم می خورد. این در حالی است که برای قبول ممنوعیت در مناطق مذکور نیازمند تطبیق هرچه بیشتر اجباری قانون ممنوعیت می باشد (بخش ۴ نگاه شود). همچنان سوال دیگر این است که در شرایط حاضر سیاسی چه نوعی کمک هایی برای بسط اقتصاد مشروع جهت افزایش فرصت های اقتصادی برای گروه های اجتماعی - اقتصادی که زیان های ناشی از ممنوعیت کشت کوکنار را متحمل می شوند، نیاز است. با توجه به این فشارها، بازگشت کشت کوکنار در مناطق آبدار هلمند تقریباً غیر قابل جلوگیری است.

بخشی از دهقانان به خاطر نداشتن زمین و متکی بودن به عواید ناشی از فروش تریاک به خاطر تامین معیشت شکننده است. بسیاری ها از همین اکنون صحبت از مهاجرت از منطقه را می نمایند.

سوال این است که این مردم برای پیدا کردن یک لقمه نان به کجا رفته می توانند؟ با توجه به منع شدن کشت کوکنار در مناطق پر آب، تعداد کمی از زمیندارانی وجود دارد که برای تعداد معدودی از دهقانان بی زمین خانه و مزرعه برای برزگری داده بتوانند. فراتر از آن، حتا دهقانان بی زمین و اجاره گیر در مناطق تحت پوشش برنامه زون غذایی که سابق دشت بوده و اکنون به وسیله چاه های عمیق آبیاری می شوند (مانند دشت بشاران، دشت عینک و دشت شیرک)، نیز به دنبال زمین های حاصلخیزتر می گردند. با در نظر داشت کاهش درآمدها در اثر ممنوعیت کشت کوکنار، این دهقانان سرسختانه در مخالفت با حکومت قرار دارند.

برخلاف دهقانان بی زمین، آنانی که تازه در مناطق صحرایی در شمال نهر بغره زمین به دست آورده اند، به هیچ صورت نشانه ای از ترک منطقه در آنها دیده نمی شود. پس از این همه، اینجا خانه شان است، ظاهراً آماده اند که با دشواری های اقتصادی، با کشت کوکنار به رغم پایین بودن میزان محصول، مقابله نمایند. آنانی که دارای بیشترین زمین اند، روزگار را سپری می نمایند و امیدوارند که دهقانان شان زمین را ترک نگویند، و یا زارعان مهاجر به امید درآمد جای خالی دهقانان قبلی بی زمین را بگیرند.

در نهایت، یکی از پرسش ها این است که اقتصاد رسمی و مشروع در ولایت هلمند توانایی جذب و برخورد با عواقب کاهش کمک های خارجی و نرخ پایین تولید تریاک را دارد و یا خیر. همانند سایر مراکز شهری در افغانستان، نرخ واقعی دستمزد ها در لشکرگاه از خیلی پیش نزول یافته و آنانی که به دنبال کار می گردند از کمبود کار شکایت دارند. حتا ذخیره تریاک برخی از خانوادهها نیز در اثر ممنوعیت موثر کشت کوکنار در چهار فصل متواتر در هلمند مرکزی نیز ته کشیده است. برخی از افراد سرمایه های خود را به صورت عاقلانه روی منابع عایداتی غیر زراعتی به مصرف رسانده اند:

۳- تبدیل صحرا به گلزار

افزایش پیدا کرد.^{۳۷} کشتزارهای جدید در سرتاسر نواحی جنوبی نوزاد در هلمند به چشم می خورد. قسمت اعظم این زمین ها در سال ۲۰۰۵ میلادی زیر کشت نبود (به جدول ۳ نگاه شود).

چنانکه در بالا اشاره رفت، تحقیقات انجام شده از سال ۲۰۰۸ میلادی افزایش کوچیدن دهقانان از مناطق دارای سیستم آبیاری بهتر در زون غذایی به مناطق صحرایی شمال کانال بغره را نشان می دهد. بسیاری از این خانواده های فقیر بدون زمین که قبلاً در منطقه زون غذایی کوکنار کشت می نمودند، فرصت ها و زمینه های کمی برای اجاره و یا کار بالای زمین دیگران جهت کشت کوکنار، به خاطر موضوع ممنوعیت تریاک در

در سال های اخیر، UNODC و حکومت امریکا دست به ترسیم نقشه زمین های تحت کشت کوکنار در جنوب، به ویژه در هلمند و فراه زدند. زیرا، یکی از دلایل عمده این کار، تبدیل شدن وسیع زمین های بایر و دشتی به زمین های حاصلخیز جهت کشت کوکنار می باشد. در ولایت هلمند، میزان زمین های زراعتی در مناطق سابقاً بایر و دشتی در شمال نهر بغرا نزدیک به ۴۶ برابر، یعنی از ۷۵۲ هکتار در ۲۰۰۲ به ۳۴،۲۷۰ هکتار در ۲۰۱۲ میلادی، افزایش یافت. از زمان آغاز ابتکار برنامه روز غذایی زون، کشت کوکنار در این مناطق ۱۱۳ درصد بیشتر شده است. در دشت بکوا، زمین های تحت کشت کوکنار به صورت چشمگیری، از ۳،۵۷۰ هکتار در ۲۰۰۹ به ۵،۸۲۲ هکتار در سال ۲۰۱۲ میلادی، ازدیاد یافت. در دلارام در ولایت نیمروز^{۳۶}، میزان کشت در همین مدت سه برابر، از ۳۰۱۱ هکتار به ۸،۸۹۹ هکتار،

^{۳۷} "Afghanistan Opium Poppy Survey 2012."

^{۳۵} The World Bank reports that construction and services account for 64 percent of the working population in urban centres but only 24 percent in rural areas. See "Afghanistan in Transition," 65. However, fieldwork in rural Nangarhar and Helmand highlights the important contribution non-farm income, in particular wage labour opportunities in the construction sector and enlistment in the ANSF, have made to the household economy in the absence of opium poppy cultivation.

^{۳۶} UNODC list the district of Delaram in Farah. See "Afghanistan Opium Poppy Survey 2012," 94. The district and provincial boundaries as recognised by the government now locate Delaram in Nimroz.

۲۰۰۸، و به دنبال آن حضور سیل آسای نیروهای نظامی بین المللی در سال های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱ میلادی در اختیار شان قرار گرفت. نداشتن زمین خود یک امتیاز منفی دیگری بود که به سبب آن دهقانان از حکومت در قالب برنامه زون غذایی محصولات و مواد مورد نیاز زراعتی را دریافت کرده نمی توانستند.

پس از رسیدن به ناحیه شمالی نهره بغرا، دهقانان زمینها را پاک و آماده ساخته، چاه عمیق می کنند و کونار را کشت می نمایند. برخی از این دهقانان زمین را از افراد با نفوذ سیاسی که در واقعیت زمین های مذکور را در دشت های پهناور غصب کرده و به شبکه ای از افراد و وابستگان خود در زمان ولایت شیر محمد آخند زاده تقسیم نمودند، خریدند.^{۳۸} برخی دیگر از این دهقانان، روی زمین دیگران کار کرده و یا زمین را اجاره می نمایند، کونار را برای فروش به دیگران کشت می نمایند تا به امید این که فردا از عواید آن برای خود زمینی بخرند. گزارشهای اولیه از دشت بکوا حاکی از آن است که روند مشابه به دست آوردن زمین در ولایت فراه نیز وجود دارد؛ دهقانان به صورت متداوم از دلارام به بکوا به عنوان یک دشت وسیع می خزند.^{۳۹}

قبلا از آمدن شان به مناطق دشتی، بسیاری از دهقانان روی زمین هایی کار می کردند که نزدیک به ۱۰ جریب در مناطق نزدیک به نهر در هلمند بود که از آن جمله بین چهار تا شش جریب آن را به کشت کونار اختصاص می دادند و البته این میزان بستگی به مسایل امنیتی و شرایط معاوضه گندم و تریاک داشت. پس از آمدن و در اختیار گرفتن زمین های دشتی، تقریباً تمام مساحت آن را برای کشت خشخاش و به دست آوردن تریاک اختصاص می بخشند. با توجه به تشدید کشت کونار در منطقه، روی آوردن دهقانان تنها و تنها به کشت کونار در دو سال گذشته مایه نگرانی شده است. این هجوم به دشت ها جهت کشت کونار در سپین بولدک و شمال شاهراه نمبر یک در منطقه ژری و میوند ولایت قندهار، و همچنان گلستان در فراه نیز به وقوع پیوسته است. کشت کونار به صورت فزاینده ای در این مناطق متمرکز شده است؛ با درک این که دهقانان به دنبال پیدا کردن راه جهت تامین هزینه های بلند ایجاد چاه های عمیق که به واسطه جنراتور های دیزلی کار می نمایند، به منظور آبیاری زمین های شان می باشند، نشانه های کمی برای توقف و یا کند شدن این روند در آینده نزدیک به چشم می خورد.

جای تعجبی ندارد که برداشت کم محصول در فصل درو در ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳ (که گناه آن به گردن امریکایی ها انداخته می شود) و تلاش اخیر پولیس محلی برای توقیف و یا تخریب چاه های عمیق و سامان آلات آبیاری، منتقدان خشمگینی را در میان ساکنان شمال نهر بغره به وجود آورده است که از مقامات ولایتی انتقاد می نمایند. این را شما می توانید در ناسزاگویی ها به گلاب منگل والی سابق، نعیم بلوچ والی فعلی و نیروهای بین المللی یافت.

این افزایش کشت کونار در دشت ها بدون دسترسی به تکنولوژی های پیشرفته و روش های کشاورزی بهتر ممکن نبوده است. برای دهه های

متمادی، کونار در محیط های مختلف و در کشور های گوناگون رشد داده شده است. به استثنای اروپا و استرالیا که دهقانان سرمایه گذاری های کلان روی تکنولوژی های زراعتی مانند میکانیزه نمودن و بهتر ساختن انواع محصولات کونار انجام داده اند، در سایر مناطق تکنولوژی های کشت کونار ثابت مانده است. یعنی، هنوز کشت کونار وابسته به کار فزینی دهقانان و شرایط جوی، وضعیت زمین، دسترسی به آب و مهارت دروگران محصول می باشد.

به هر صورت، زرع کونار در افغانستان در سه دهه گذشته به خاطر بهتر شدن تکنیک ها و موادی که عموماً در توسعه کشاورزی در افغانستان سهم دارند، به پیشرفت های زیادی حاصل کرده است. به عنوان مثال، نواحی صحرايي مارجه و نادى على، تراکتور ها در دهه ۱۹۸۰ میلادی زمین را برای کشت کونار شخم می زدند چنانکه این کار را در دهه ۶۰ میلادی برای زرع گندم انجام می دادند. استفاده وسیع از کود کیمیاوی همچنان که برای برداشت بالای محصول کونار استفاده می شده است، برای محصولاتی چون سبزیجات نیز به کار می رفته است. در اواخر دهه نود میلادی برای آبیاری مزارع کونار چاه های کم عمق حفر گردید، همچنان که دهقانان برای نجات باغ های خود از گزند یکی از بدترین خشکسالی سال های اخیر به دنبال آب های زیر زمینی بودند.

تکنیک های زراعتی مربوط به کشت کونار در دو دهه اخیر بهبود یافته است. به عنوان مثال در دهه نود میلادی دهقانان شروع به استفاده از وسایل بهتر جهت نیشتر زدن محصولات کردند. در کنار آن تجاری را روی بوته های گوناگون کونار از ولایات همجوار و دور تر انجام دادند. بوته های مختلفی چون «هندی»، گل گلابی رنگی که از مزارع بدخشان در دهه هشتاد و نود میلادی به دست می آمد، در قرن بیست و یکم از بین رفت. اکنون به جای آن محصول بهتر با گل های سفید و سرخ می روید که نام آن را «جلال آبادی» می گویند.

به هر صورت، در یک دهه اخیر انکشافات زیادی در تکنیک های زراعتی مربوط به تولید تریاک به وقوع پیوسته است. گزارش های مختلفی وجود دارد که دهقانان در هلمند برای صرفه جویی در نیروی کار از علف کش ها در مزارع کونار بهره می برند. به خصوص، استفاده از علف کش های پاراکوت و تاپیک زمان از بین بردن علف های هرزه را به یک سوم و یک چهارم کاهش داده است.^{۴۰} این از آن جهت اهمیت دارد که معمولاً تصور می رود که در دهات نیروی کافی برای فعالیت های زراعتی چون از بین بردن علف های هرز وجود دارد. بر علاوه، استفاده از مواد کیمیاوی به جای استخدام کارگر برای زمینداران بزرگ از لحاظ اقتصادی خیلی به صرفه است. در هر شرایط، موضوع دارای پیامدهایی برای بازار کار محلی می باشد.

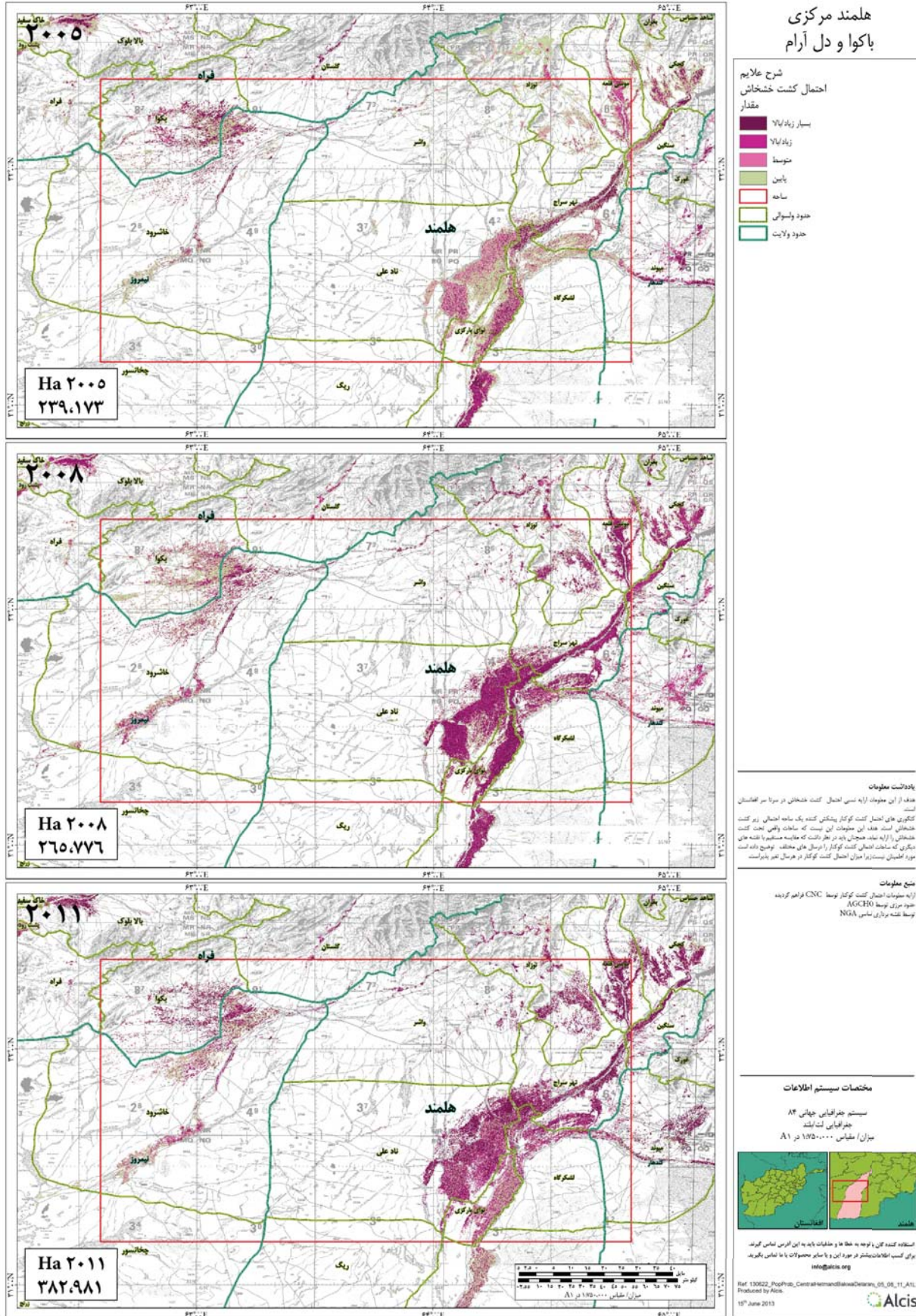
مهمتر از آن، چنانکه در بالا اشاره رفت، چاه های کم عمق با ارزان تر شدن واترپمپ ها و جنراتور های چینی و پاکستانی، جای خود را به چاه های عمیق داده اند. همچنان که در بالا روی آن بحث گردید، استفاده از تکنولوژی جدید به دهقانان اجازه می دهد که زمین های بیشتر در دشت

^{۴۰} Farmers cover the plants they wish to keep with straw or sand for protection and then spray the field. The field is then left for ten days before being irrigated. Once irrigated, the sand or wheat straw is washed away and the farmer undertakes a less intensive weeding than would have otherwise been required, removing the dead crops and aerating the soil. Application rates are 0.5 litres per jirib.

^{۳۸} For details of the different waves of migration that have occurred in this area see Mansfield, "Between a rock and a hard places."

^{۳۹} Fieldwork in Shna Jama, November/December 2012.

شکل ۳: بسط در زمین زراعی و تغییر شیوه ها در کشت کونکار در هلمند، نیمروز و فراه ۲۰۰۵ و ۲۰۰۸ و ۲۰۱۱



به هر صورت، با خرید یکبار صفحات خورشیدی، یک دهقان می تواند از هزینه های مداوم دیزل، جنراتور برقی به خاطر چاه های عمیق برای فصل های متوالی دوری جوید. به این ترتیب، یکی از موانع اصلی بر سر راه کشت در زمین های بیشتر و گسترش دامنه کونار در دشت های افغانستان را بر داشته می تواند. یک کشاورز در بهادر زی سپین بولدک گفت که ۱۲،۲۰۰ دالر را خرج ایجاد چاه عمیقی که با نیروی خورشیدی کار می کند، کرده است. قبل از آن، او شش جریب قابل زرع در یک منطقه دشتی داشت که سالانه ۱،۷۵۷ دالر خرج نگهداری و سوخت دیزل آن می کرد.^{۴۳} به هر حال، تا فصل رشد محصول در ۲۰۱۳/۲۰۱۲ میلادی توانست که ۱۵ جریب زمین را به خاطر تسهیلات دست داشته زیر کشت بگیرد. با این که پنل های خورشیدی زیادی در سپین بولدک قندهار و نهر بغره دیده می شود، اما هنوز هم برای دهقانان کوچکتر خریدن این پنل ها دور از دسترس است. به هر صورت، حتی اگر هزینه ها هم به ناگزیر کاهش یابد، مهیا بودن آب یک مانع بزرگ بر سر گسترش زمین های زیر کشت کونار در دشت ها است. برای پالیسی سازانی که دغدغه مواد مخدر را دارند، ناتو و جامعه جهانی این مساله یک میراث کلان می تواند باشد.

ها را آماده زرع کونار نمایند. با عواید تریاک، پول مورد نیاز جهت خرید و استفاده از تکنیک ها و سامان آلات، زمین، کندن چاه ها، و هزینه های مداوم تولید فراهم می گردد. این موضوع دارای پیامد هایی برای میزان کشت کونار و همچنان تهیه آب در بلندمدت می باشد.

به هر حال، عامل تغییر دهنده در این بازی معرفی نیروی خورشیدی خواهد بود. در جریان چند سال گذشته، قیمت صفحات خورشیدی به خاطر تولید انبوه آن توسط چین، کاهش یافته است.^{۴۴} تا اکنون، هزینه های بالای تیل دیزل مانع از آن می شد که دهقانان زمین های بیشتری را در دشت ها تحت کشت بیاورند. برای مثال، بر اساس یک تحقیق، برخی از زمین داران در نواحی شمالی نهر بغره زمین های زیاد دشتی را در اختیار دارند تا آن را برای دهقانان مهاجر از سایر نقاط بفروشند. برخی از زمینداران که توان مالی کشت در زمین های غیر مزروع خود را ندارند، می کوشند تا آن را به اجاره به کشاورزان بی زمین به نرخ پایین تر بدهند چون هزینه های کشت و تولید به دوش کسی که زمین را اجاره می گیرد، می افتد. سطح پایین برداشت محصول تریاک در سال ۲۰۱۲ امکانات کشت در زمین های بیشتر را محدود ساخت. در اثر این، برخی از دهقانان پول تیل دیزل و قروض شان در فصل برداشت سال ۲۰۱۱/۲۰۱۲ میلادی را پرداخت کرده نتوانستند، و از این خاطر تیل فروشان هم نتوانستند که سوخت مورد نیاز را در فصل کشت در نوامبر/دسامبر ۲۰۱۲ میلادی فراهم سازند.

۴- موضوع واقعاً فراگیر

نظامی و ملکی بین المللی بوده است. در نتیجه، در برابر تهدید افزایش کشت کونار، تمایل به سیاست های سختگیرانه و کوتاه مدت وجود دارد، یا به زبان دیگر، «تا من اینجا هستم این کار را کرده نمی توانی.»

البته این فشارها و راهکارها منجر به اتخاذ پالیسی های ضعیف محو کونار در ولسوالی های چون شیرزاد در ولایت ننگرهار در سال ۲۰۱۰ میلادی گردید، و همچنان کوشش می شود که سیاست تخریب مزارع کونار در مناطقی از هلمند مانند نهر بغره که بدیل معیشتی مناسبی وجود ندارد، نیز عملی گردد. اعمال فشار جهت به دست آوردن نتیجه در کوتاه مدت که توام با عدم دقت کافی روی عواقب پالیسی بوده است، منجر به ارایه پیشنهاد محو مزارع کونار توسط دوپاشی از راه هوا گردید. برعلاوه محو کونار در کوتاه مدت، حمایت از سهمگیری نهادهای انکشافی در طرح معیشت بدیل دیگر طرح دیگری است که شدیداً مورد انتقاد قرار گرفته است.^{۴۴}

به هر صورت، تفاوت عمده میان طرح دیالوگ با دولت افغانستان و نمایندگان آن روی تمهیدات جلوگیری از مواد مخدر، و فراموش کردن پدیده مواد مخدر و صحبت نکردن روی آن وجود دارد. متأسفانه، گزینه آخر راهی است که بسیاری از پالیسی سازان مایل به تعقیب آن می باشند.

هیچ کسی نمی خواهد که در مورد مبارزه با مواد مخدر با وجود اهمیت و برجستگی اش حرف جدی بزند. رهبری و چگونگی برخورد سیاسی با این مساله همیشه برای حکومت افغانستان و جامعه جهانی یک چالش بوده است. روی موضوع تمهیدات و راهکار های کنترل مواد مخدر همواره اختلافات جدی وجود داشته است، به ویژه در ارتباط به موضوع محو مزارع کونار. به هر حال، با نزدیک شدن زمان انتقال مسوولیت ها این اختلافات بیشتر شده و صحبت های کمی حول برنامه ها و اقدامات آتی صورت خواهد گرفت. نهاد های انکشافی، نظامی و سیاسی که روزگاری روی چگونگی برخورد با افزایش تولید مواد مخدر بحث و برنامه ریزی می کردند، اکنون که قرار است ماهیت ماموریت خود را تعریف کنند، دامنه کار شان را محدود ساخته و از این خاطر تمایل خیلی کم به بحث روی مواد مخدر در چارچوب برنامه هایی پس از سال ۲۰۱۴ میلادی شان دارند. به هر صورت، واقعیت امر این است که افزایش کشت کونار و رشد اقتصاد مواد مخدر به ناگزیر اتفاق افتادنی است.

در یک سطحی، اعمال فشار کمتر از سوی بازیگران داخلی و بین المللی به خاطر رسیدن به هدف کاهش کشت کونار در کوتاه مدت، فارغ از شرایط و واکنش های منفی بالقوه آن کار درستی است. در جریان یک دهه گذشته، کاهش کشت کونار در مناطق متذکره در یک چارچوب زمانی کوتاه موید قدرت دولت، و رهبری قوی از سوی والیان و ولسوال ها، و همچنان مقامات

^{۴۳} UNODC, "Thematic Evaluation of UNODC Alternative Development Initiatives: Report by the Independent Evaluation Unit" (UNODC: Vienna, 2005), 2.

^{۴۴} Farmers in this area refer to diesel costs of PR 110/litre (\$1.10), and using three litres of diesel per hour per jerib. They claim that it takes 2.5 hours to irrigate a jerib of land in the spring and four hours in the summer. With irrigation taking place every three to four days depending on levels of precipitation over the season, the costs are considered high.

^{۴۵} Farmers claim prices for panels have fallen by more than half over the last five years. Reports suggest there are a growing number of businesses now selling solar panels in Kandahar City, with talk of further dealerships in Farah City.

«در طول یکسال به صورت ملموس نتوانند اقدامات معناداری بر مبنای موافقتنامه های بین المللی مبارزه با مواد مخدر انجام دهند، و به این منظور یک سلسله تمهیداتی را که در قوانین امریکا پیش بینی شده است، روی دست نگیرند»^{۳۵}، احتمالاً پنجاه درصد کمک های انکشافی این کشور را از دست خواهند داد. کشور های مذکور همچنان شاهد آرای مخالف مقامات امریکا در قسمت اعطای قرضه در نهاد های بین المللی مالی علیه خود خواهند بود. البته، در صورت اقتضای منافع ملی، رییس جمهور امریکا در موافقت رسمی با کنگره امریکا از چنین کاری نیز چشم پوشی کرده می تواند.^{۳۶} در کنار این، یک سلسله محدودیت های قانونی در قسمت اعطای کمک های خارجی به آن عده از افرادی وجود دارد که به صورت مستقیم در قاچاق مواد مخدر دست دارند و یا « آگاهانه در قاچاق مواد مخدر با دیگران همکاری، تشویق و توطئه چینی می نمایند.»^{۳۷} نادیده گرفتن موضوع مواد مخدر در افغانستان مطابقتی با قوانین مذکور ندارد، و از همین حالا نگرانی هایی در کنگره امریکا از هدر رفتن کمک ها به افغانستان وجود دارد.^{۳۸} تداوم این وضع می تواند در قسمت جلب حمایت سیاسی برای گرفتن کمک های خارجی از بانک جهانی و یا سایر سازمان های بین المللی کمک دهنده مشکلاتی ایجاد نماید.

با وجود جدی بودن، موضوع فوق تا حدی قابل مدیریت و کنترل است، به ویژه اگر نیاز به توجیه و متقاعد کردن افکار عامه غربی جهت حضور دولت های شان در افغانستان باشد. موضوع خیلی مهم، چالش های عملگرایانه ای است که در تطبیق ماموریت و اولویت های موجود حول آینده توسعه، امنیت و حکومتداری در افغانستان با آن رو به رو هستیم که از ناحیه نادیده گرفتن مسایل مربوط به مواد مخدر ناشی شده می تواند. معیار های اساسی توسعه خوب نیازمند درک فضای اجتماعی - اقتصادی و سیاسی ای است که در آن برنامه ها و اقدامات عملی می شوند، بازیگران از خود چه واکنش نشان می دهند و در نهایت نتایج اقدامات چی خواهد بود. در بخش توسعه ابزار گوناگونی، چون چارچوب های منطقی، تحلیل عوامل ذینفع، تحلیل منازعه - برای کار مبتنی بر زمینه و شرایط واقعی، و ارزیابی های فنی وجود دارد. در کشوری مانند افغانستان که تولید و تجارت مواد مخدر چشم انداز فزینگی، سیاسی و اقتصادی آن را می سازد، درک مناسب موضوع مذکره یکی از سازه های مهم تحلیل مبتنی بر شرایط و زمینه های واقعی است.

organization/204265.pdf (accessed 8 August 2013).

^{۳۵} "International Narcotics Control Strategy Report."

^{۳۶} See Committee on International Relations, US House of Representatives and Committee on Foreign Relations, US Senate, "Legislation on Foreign Relations Through 2002, Volume I-A of Volumes I-A and I-B, Current Legislation and Related Executive Orders, Foreign Assistance Act 1961, Section 490 (1) and (2)," 189-192, <http://transition.usaid.gov/policy/ads/faa.pdf> (accessed 8 August 2013).

^{۳۷} FAA 1961, Section 487 (a) 2, 183.

^{۳۸} See Opening Statement of Chairman Jason Chaffetz, Subcommittee on National Security "U.S. Direct Assistance in Afghanistan: Ensuring Transparency and Accountability" February 13, 2013, <http://oversight.house.gov/wp-content/uploads/2013/02/Opening-Statement-of-Chairman-Jason-Chaffetz-2-13-13.pdf> (accessed 8 August 2013); Opening Statement of Chairman Menendez, United States Senate Committee on Foreign Relations Hearing, "Assessing the Transition in Afghanistan," July 11, 2013, <http://www.foreign.senate.gov/imo/media/doc/Menendez%20Statement%20Assessing%20the%20Transition%20in%20Afghanistan%20July%2011%202013.pdf> (accessed 8 August 2013); and John Sopko (SIGAR), Testimony Before the Committee on Oversight and Government Reform, "Challenges affecting US Foreign Assistance to Afghanistan," 10 April 2013, <http://oversight.house.gov/wp-content/uploads/2013/04/Sopko-Testimony-Final.pdf> (accessed August 8 2013).

در بلندمدت، به دشواری می توان تصور نمود که چگونه پالیسی سازان چشمان خود را روی عاملی که نقش عمده و برجسته ای در اقتصاد سیاسی افغانستان و سال های حساس دهه انتقال و تحول بازی می نماید، بسته کرده می توانند.

مسایل جاری، سیاسی و حقوقی

چه نگرانی شدید در مورد فساد در بخش عمومی و خصوصی، ابهام در مورد سرنوشت امضای قرارداد دوجانبه امنیتی میان کابل و واشنگتن، مخالفت بر سر گرفتن مالیه از کمک های ایالات متحده، و یا مشاجره بر سر چگونگی برخورد با پروسه صلح با طالبان، از جمله چالش های جاری، چالش های موجود افغانستان که در رسانه های جهانی بازتاب می یابد، برجسته و غیر قابل انکار است. حتی اگر این مسایل نیز حل شده باشند، در صورتی که میزان تجارت مواد مخدر در افغانستان کاهش نیابد، دولت این کشور به چه صورت می تواند کمک های مالی خارجی را که در اجلاس شیکاگو و توکیو از سوی جامعه جهانی تقبل گردید، بدون اجرای تعهدات اش فارغ از بیم و امید دریافت بدارد؟ رای دهندگان و سیاست مداران غربی به چه صورت به این روند پاسخ خواهند داد؟ به دشواری می توان پذیرفت که با تصویر موجود از افغانستان به عنوان "دولت مواد مخدر" که بر اساس "مواد مخدر سالاری" اداره می شود، بتوان کمک های زیاد انکشافی را، به ویژه از سوی کشور هایی که در گیر مشکلات مالی است، جلب کرد. به ویژه این موضوع در بریتانیا به وضوح قابل درک است که یکی از "کشور های پیشیناز" (بعد "کشور همکار") در امر مبارزه با مواد مخدر بود، و از ۲۰۰۶ میلادی رهبری عملیات نظامی را در ولایت هلمند به عهده داشت.

اگر جامعه جهانی همکاری ها و کمک های خود را به خاطر مشکل مواد مخدر در افغانستان کاهش دهد، مقامات افغان نیز تقصیر اذیاد کشت کونکرا را به گردن کشور های کمک کننده خواهد انداخت. چند سال قبل، چندین والی از کشور های کمک کننده انتقاد کردند که به وعده های داده شده انکشافی خود عمل نکردند. وزیر داخله افغانستان نیز در مصاحبه های اخیر خود با رسانه ها هشدار داد بدون حمایت جامعه جهانی از حیث وسایل و سایر منابع، حکومت افغانستان نمی تواند به صورت موثر مبارزه با مواد مخدر را به پیش ببرد. چنین بیاناتی روابط میان حکومت افغانستان و کمک کنندگان غربی را تلخ تر می سازد، و همچنان رای دهندگان و مقاله نویسان غربی تصور می کنند که گفته هایی از این قبیل نوعی خیانت، قدرشناسی و ریاکاری در برابر زحمات دولت های آنها است. کشته شدن سربازان غربی به دست نیروهای امنیتی افغان نیز در راستای همین تفسیر در کشور های کمک کننده غربی است. این تصور با افزایش تولید مواد مخدر در افغانستان و قربانیان هیروئین در کشور های غربی تشدید شده می تواند.

همچنان یک سلسله پیامد های حقوقی نیز در ارتباط به مساله مواد مخدر در افغانستان وجود دارد. بر اساس قوانین داخلی امریکا، افغانستان یکی از کشور های عمده تولید مواد مخدر است. همانند سایر کشور های تولید کننده و گذرگاه عبور مواد مخدر، هر سال حکومت امریکا این کشور را به صورت سالانه مورد ارزیابی قرار خواهد داد.^{۳۹} اگر کشور ها

^{۳۹} Bureau for International Narcotics and Law Enforcement Affairs, United States Department of State, "International Narcotics Control Strategy Report, Volume 1: Drug and Chemical Control" (Washington, DC: INL, 2013), 13, <http://www.state.gov/documents/>

توسعه در محیط تحت تاثیر مواد مخدر

در آن روستاها جاده های جدید و در دست اعمار را نشانه ای از سرکوب دانسته و هم تیوری های توطئه در مورد دلایل و برنامه های نیروهای بین المللی در افغانستان تقویت گردید.^{۵۰} اکنون برخی از این جاده در زیر کنترل طالبان قرار داشته و به منظور انتقال و فروش تریاک در بازار شادال مورد استفاده قرار می گیرد.

آوردن مثال های فوق به معنای آن نیست که پروژه های آبیاری، سرک سازی و سایر زیربنا ها در این کشور اجرا نگردد. بلکه در عوض باید به نتایج خواسته و ناخواسته پروژه های انکشافی و به ویژه از چشم انداز مبارزه با مواد مخدر توجه دقیق صورت گیرد. به عنوان مثال، ساخت سرک در مناطقی که فرصت های داد و ستد اندک اقتصادی وجود داشته و به صورت تاریخی حضور دولت در آن چندان پر رنگ نبوده است، به مراتب نتیجه متفاوت تر از مناطقی که در آن بازارهای پر رونق، تنوع محصولات زراعتی و رابطه بین دولت و مردم وجود دارد، به دست می دهد. در نهایت، اگر برنامه ها و فعالیت های سیاسی و انکشافی به افزایش تولید و تجارت مواد مخدر می انجامد، لازم به اقدامات کاهش دهنده است.

پالیسی ها در ارتباط به کشت مواد مخدر، باید فراتر از پرسش های ساده برود و به عنوان مثال، اطمینان از این بابت وجود داشته باشد که برنامه ها و پروژه ها بالعکس به ترغیب کشت مواد مخدر، قاچاق و با استفاده از آن منجر نگردد. اگر برنامه ها به درستی تطبیق شود، فضا برای اقداماتی که سهم مثبت در دستاورد های سیاست مبارزه با مواد مخدر و توسعه کشور خواهد داشت، مساعد شده می تواند. این خود نیازمند آن است که نقش چندگانه کونکار در معیشت مردم در روستاها و تفاوت آن در میان گروه های مختلف اجتماعی و اقتصادی درک شود؛ این که در صورت اجرای برنامه ها و پروژه ها چه کسی بازنده و چه کسی برنده است؛ و در نهایت تاثیرات کلی برنامه ها روی رفاه گروه های مختلف ارزیابی شود.

در نهایت، چنین روندی شامل توسعه پالیسی ها و برنامه هایی به صورت بالقوه تاثیرگذار بالای مشکل مواد مخدر است. متعاقباً تنظیم و عیار ساختن تمرکز برنامه ها و پروژه های انکشافی به خاطر شناخت تاثیرات و بهره وری از آنان در جهت سود حد اکثری است. این روند در برگیرنده اقدامات هماهنگ شده و تکمیل کننده در سطح ولایت و ولسوالی است.

سیاست در محیط تحت تاثیر مواد مخدر

بسیاری از مباحث در باره مواد مخدر در افغانستان روی نقش طالبان در ترغیب کشت کونکار، گرفتن مالیه از آن و حمایت از تجارت مخدرات متمرکز است که این گروه از این کار اهداف مختلف سیاسی، تسلط بر مناطق و تامین منابع مالی برای فعالیت های خود را دنبال می نماید. اما، واقعیت موضوع خیلی پیچیده بوده، بازیگران مختلف در درون و بیرون از ساختارهای دولتی در آن دخیل اند، و تمام آنها در تجارت مواد مخدر به دنبال منافع مادی، ایجاد شبکه ای از وفاداران و حمایت سیاسی اند.

سازمان های انکشافی به درستی استدلال می نمایند که ماموریتی برای مبارزه با مواد مخدر ندارند. با این حال، اقدامات (و یا فقدان اقدامات) آنها بالای تلاش ها در جهت کمک به روستانشینان به منظور کاستن از وابستگی شان به مواد مخدر، و همچنان بالای فقرزدایی به عنوان یکی از اهداف انکشافی تاثیر گذار است. در ولایت هلمند برنامه زون غذایی نمونه خوبی از ناکامی یک برنامه انکشافی را به نمایش گذاشت که در اثر آن کشت کونکار به نواحی شمال نهر بغره کشیده شد- و مشکل مواد مخدر را به طرز وسیعی در این ولایت تشدید نمود، اما در عین حال آسیب پذیری برخی از گروه های محروم در هلمند را نیز افزایش داد. دهقانانی که در منطقه تحت پوشش زون غذایی به عنوان بزرگران اجاره ای باقی ماندند- و همچنان آنانی که تازه برای کار به مناطق دشتی کوچیدند- نیز نشانه های بهبود، به جز فقر، در وضعیت شان دیده نمی شود. واضح است که باید کاری برای این کشاورزان صورت بگیرد. آنها از حامیان محکم طالبان بوده، به شدت به کشت کونکار وابسته اند، و زمانی که محصولات شان به بار نمی نشیند، تنگدستی اقتصادی به سراغ شان می آید. البته، این مشکلات از تاثیرات ناخواسته برنامه زون غذایی است. حتا اگر این دهقانان پس به محلات قبلی خود باز گردند چالش های گوناگون انکشافی، حکومتداری و امنیتی را برای حکومت در این ولایت پس از خروج نیروهای خارجی خلق می نماید.

مواد مخدر همچنان مشکلاتی را برای برخی از برنامه های اولویت ملی حکومت افغانستان (NPPs)، به ویژه برنامه های زیربنایی، به وجود می آورد. به عنوان مثال، برنامه های بزرگ آبیاری در ارتباط به دریای هلمند به خاطر آبیاری زمین ها از سوی وزارت انرژی و آب مدنظر گرفته شده است،^{۴۹} و همچنان طرح های کوچکتری در چارچوب برنامه همبستگی ملی، و برنامه ملی توسعه آنها و منابع طبیعی تطبیق می گردد. اگر این طرح ها در مناطقی با بازارهای ضعیف و امنیت ناپایدار تطبیق گردد، و اقدامات بیشتر به منظور متنوع ساختن محصولات زراعتی و منابع عایداتی کشاورزان صورت نگیرد، خطر افزایش تولید تریاک وجود دارد که در آن صورت به طور بالقوه نتایج برنامه های انکشافی تضعیف شده می تواند. نباید از یاد برد که قدرت اقتصادی و سیاسی افراد و گروه های قدرتمند محلی که شدیداً در تولید و تجارت مواد مخدر دخیل اند و از منازعه و بی امنیتی نفع می برند، تقویت و ریشه دار تر می گردد.

پروژه های ساخت و ساز جاده ها با مشکل مشابه مواجه است، به ویژه اگر با سایر برنامه های توسعه ای در این ولایت هماهنگ نباشد. به عنوان مثال، نهاد های انکشافی و نظامی اولویت اصلی را به ساخت جاده در دامنه های سپین غر در ولایت ننگرهار دادند. این اقدامات با این تصور انجام گرفت که ساخت جاده ها به متنوع شدن محصولات زراعتی از طریق دسترسی به بازار و مشتری منجر گردد. در نتیجه، در حالی که ساخت جاده ها موازی با ممنوعیت کشت کونکار در این ولایت به پیش می رفت، اما هیچ سرمایه گذاری معنا داری برای متنوع شدن منابع عایداتی مردم صورت نمی گرفت. وقتی محصولات زراعتی برای انتقال و فروش در بازار وجود نداشت، مردم

^{۵۰} The same responses can be heard in Zahre District in areas such as Pashmul and Howz-i Madad, where the road construction is typically viewed in a particularly negative light due to the loss of significant amounts of agricultural land, including vineyards (fieldwork in Kandahar, December 2012). In Nangarhar, roads into rural areas are increasingly seen as the means by which Afghan and international military forces can subjugate the local population. See Mansfield, "All Bets are Off!"

^{۴۹} Shahai Murtazai, "Pakistan to design Farah river dam," Tolo News, 24 February 2013. <http://www.tolonews.com/en/afghanistan/9557-pakistani-firm-to-design-farah-river-dam> (accessed 8 August 2013).

و نادى على در ولايت هلمند، پوليس محلى به صورت فعال ممنوعيت كشت كوكنار را اعمال مى نمايد. در برخى از قضايا فرماندهان پوليس محلى از محل تعيين شده ماموريت خود فراتر رفته تا ممنوعيت كوكنار را در مناطق دشتى مانند شمال نهر بغره عملى سازند. البته همواره اين كار به درستي انجام نيافته است چنانكه در بعضى از موارد اعضاى پوليس محلى در مناطقى كه زياد روى حمايت مردم محل حساب نمى كردند، از كشاورزان كوكنار پول دريافت كرده اند. در ولسوالى هاى ژرى و پنجوايى، پوليس محلى زير نام مبارزه با مواد مخدر از مردم محل سوء استفاده كرده، از دهقانانى كه مصمم به كشت كوكنار بوده، پول دريافت كرده اند.⁵²

در عوض، برخى ديگر از بخش هاى پوليس محلى در ولايت هلمند تمايلى به تطبيق برنامه هاى مبارزه با مواد مخدر ندارند. بلكه، كشت كوكنار را در مناطق خود تشويق و يا دستكم تسهيل مى نمايند. در منطقه مارگير نهر سراج، دهقانان گفتند كه فرماندهان پوليس محلى و پوليس ملى از مواضع مردم محل مبنى بر كشت كوكنار در فصل كشت 2012/2013 ميلادى حمايت كرده اند.⁵³ همچنان گزارش هاى نيز در دست است كه اين فرماندهان به دنبال گرفتن 112.5 گرام ترياك به عنوان ماليه از محصولات اند كه قبلاً طالبان از هر جريب زمين در زمان حاكميت شان بر منطقه از مردم مى گرفتند.⁵⁴ براساس حدس و گمان هاى مردم، مقامات محلى نفع اندكى در مواجهه با باركزيبى ها در مالگير داشته، و از اين كه با كمپاين محو كوكنار حمايت مردم محل را از دست بدهند، هراس دارند.⁵⁵ گزارش هاى نيز از سرفله نزديك به شهر گرشك در دست است كه كشاورزان پول نقد را براى نيروهاى پوليس ملى و پوليس محلى جمع آورى كردند تا نيروهاى مذكور از مزارع كوكنار شان حفاظت نمايند. در عين حال، هرچند كه طالبان به صورت فزيكى در منطقه حضور ندارند، اما آنها به متنفذان محلى فهمانده اند كه به خاطر برداشت ترياك منتظر پول خود هستند.

احتمالاً رقابت بر سر گرفتن سهم از كالاهاى ارزشمندی چون ترياك در بخش هاى از افغانستان پس از انتقال مسووليت ها فراگير گردد، يعنى چنانكه بقاى افراد به حق گرفتن و دخيل بودن در تجارت مواد مخدر ارتباط داشته باشد. مثلاً، آن عده از قومندانان پوليس محلى كه در به دست آوردن پول لازم و حمايت مردم محلى از طريق اجازه دادن به كشت كوكنار ناتوان بماند، از سوى نيروهاى مخالف مسلح از منطقه رانده شود، يا رقيبى در درون پوليس محلى جاى افراد ناکام را بگيرند.

به نظر مى آيد كه عوايد مواد مخدر سهم برجسته در انتخابات رياست جمهورى آينده خواهد داشت. در "بازار سياست افغانستان"⁵⁶ حتا براى عهد و پيمان کوتاه مدت نيز پول و امتيازى پرداخت شود. به اين منظور نياز به قدرت و شبكه اى از گروه هاى وفادار است و اين نيز با پول به دست آمده از تجارت مواد مخدر فراهم شده مى تواند. به همين سان، نبايد از نظر دور داشت كه مواد مخدر و دموكراسى دو پديده همراه در افغانستان پس از انتقال مسووليت ها بوده، و داراى پيامد هاى آشكار براى فساد در نظام سياسى و بازبگراى آن مى باشد.

بازبگراى دولتى نياز به يك سازش و تعامل سياسى با افراد متنفذ محلى به خاطر كسب وفادارى، نفوذ در مناطق مشخص و به دست آوردن آرا براى انتخابات رياست جمهورى و پارلمانى در آينده دارند. در برخى از مناطق، روى آوردن به كشت كوكنار احتمالاً بخشى از چانه زنى آشكار و پنهان سياسى خواهد بود. كسانى كه از توليد ترياك نفع مى برند، افراد با نفوذ و تفنگ به دست محلى اند؛ از اين طريق، آنها نه تنها حمايت مردم محل را كسب مى كنند بلكه به آن اندازه قدرت مالى نيز به دست آورده مى توانند تا قدرت مركزى را به چالش بکشند. کاهش كمك هاى كابل و افزايش كشت مواد مخدر در ولايات به احتمال زياد نيروهاى فرار از مركز را كه از همين حالا نيز در افغانستان فعال اند، قوى تر خواهد ساخت.

محو مواد مخدر به نظر نمى آيد كه از اولويت در انتخابات رياست جمهورى سال آينده بر خوردار باشد. آوردن مردم به پاى صندوق هاى راي در مناطقى كه كوكنار كشت مى شود، با توجه به شرايط امنيتى كار بسيار دشوارى است. از اين منظر، توقع آراى مردم و در عين حال از بين بردن كشتزار هاى كوكنار در مناطق مذكور به منزله آن است كه در انتخابات رياست جمهورى امريكا يك كانديد شعار افزايش ماليه { در امريكا نظر مساعد نسبت به افزايش ماليه وجود ندارد- مترجم } را سر بدهد. هر زمانى كه حكومت در واقعيت امر ممنوعيت كشت كوكنار را عملى ساخته، نيروهاى مخالف حكومت برنده اين ماجرا بوده اند.

امنيت در فضاى تحت تاثير مواد مخدر

توليد و تجارت مواد مخدر يك چالش عمده را در برابر سلامت نيروهاى امنيتى افغان قرار مى دهد. يكي از مهمترين مخاطرات فساد افراد و واحد نيروهاى قواى مسلح افغان است كه از توليد و تجارت مواد مخدر براى خود سهمى بردارند و حتا خود در اين تجارت سهم بگيرند. اين به نوبه خود بالاي تصور عمومى از دولت تاثيرگذار بوده ميتواند. همچنان سوال ديگر اين است كه چگونه قواى مسلح افغان از دولت در مناطق امن حمايت خواهد نمود، در حالى كه پاليسى هاى مبارزه با مواد مخدر منافع افراد متنفذ محلى و مردم قريجات را تهديد كرده و اين مساله خود به خشونت منجر شده مى تواند؟

برخى از نيروهاى مسلح افغان از دير باز در مساله مبارزه با مواد مخدر دخيل بوده و در مناطقى كه توليد ترياك و ساير مخدرات احتمالاً افزايش پيدا خواهد كرد، حضور عميقى دارند. براى مثال، در مناطقى چون مارجه

⁵² David Mansfield, "Taxation" in Central Helmand and Kandahar, paper for the UK Government, March 2013.

⁵³ As one farmer put it "we accept the government in this area; we don't kill government people, we don't put mines in the road but we will grow poppy" (fieldwork in Malgir, April/ May 2013).

⁵⁴ At the time of fieldwork this tax had not yet been collected but farmers reported that the population had been informed that they would need to pay and claimed that a list of farmers and the payments due had been prepared by the mirab (water master). It was also claimed that the ALP commander and many of his soldiers had also cultivated opium poppy. Fieldwork supports this claim, with four out of the five households with members in the ANP or ALP growing opium poppy in the 2012/13 growing season.

⁵⁵ Farmers report that the eradication campaign in the 2012/13 growing season was concentrated within one kilometre of the road running alongside the canal. Between the river and the village, the poppy remained untouched.

⁵⁶ For a description of how the "political marketplace" works, see Alex de Waal, "Mission without end? Peacekeeping in the African political marketplace," International Affairs 85, no. 1 (2009): 99-113.

به هر حال، پرابلم اصلی امنیتی پیوندن خورد تریاک و طالب است. مثلاً، در دامنه های کوه سپین غر وفاداری به حکومت و مخالفان تفنگ به دست سیال است. برخی از خانواده ها یک عضو شان در صفوف قوای مسلح افغانستان است، در حالی که یکی از خیشاوندان همان خانواده به مخالفان مسلح دولت پیوسته است. در ولسوالی های بالایی، کلینیک ها، مکاتب و کارمندان دولتی در منطقه مخالفان وجود دارند که برخی از این کارمندان عضو نیروهای مخالف مسلح بوده و در کشت کوکنار سهم دارد. به همین ترتیب، ناپایداری و نامشخص بودن وفاداری ها در ولایت بلخ دیده می شود. بر اساس برخی گزارش ها نوعی از تعاف و تعامل میان پولیس محلی و گروه های مسلح مخالف دولت بر اساس قرابت های خانوادگی و قبیله ای میان افراد در هر دو جناح دیده می شود.

در حال حاضر، طالبان خواسته های خود را از خانواده هایی که اعضای شان در قوای مسلح افغانستان شمولیت دارند، در ولایت ننگرهار محدود ساخته اند. چون از واکنش های محلی هراس دارند، و از این بابت در برابر مردم آنجا از تشدد استفاده نمی نمایند. اگر طالبان حضور خود را در منطقه تحکیم سازند، احتمالاً به خانواده ها اجازه ندهند که از یکسو مزارع کوکنار شان مصون باشد و از سوی دیگر برخی از اعضای شان در قوای مسلح افغانستان علیه طالبان بجنگند. تداوم این روند بالای میزان حضور پشتون ها در قوای مسلح کشور تأثیر گذشته و توازن قومی در میان نیروهای مذکور را تغییر می دهد. رفع ممنوعیت و یا افزایش کشت کوکنار در سایر بخش های افغانستان نیز می تواند که نیاز های اقتصادی پیوستن به قوای مسلح کشور را کاهش بخشد، میزان شمولیت را پایین و ترک صفوف را افزایش بخشد. این مشکل به ویژه در مورد بدخشان صادق است که پیوستن به قوای مسلح به خاطر فرصت های محدود اقتصادی یکی از راه های امرار معیشت بوده است.

۵- راهی به سوی پیش؟

در عمل، هنوز در موضوع مواد مخدر از سوی پالیسی سازان که از واقعیت های پیچیده پروسه های اجتماعی، اقتصادی که بالای تولید تریاک تأثیرگذار اند به دور بوده، غلط فهمی صورت می گیرد. در واقعیت امر، بحث و صحبت در مورد واقعیت های چندلایه روستاهای افغانستان در سطح بالای پالیسی سازی مورد توجه قرار نگرفته است و گویا در آنجا تصور می شود که موضوع خیلی فراگیر و از حوصله بحث بیرون است. متأسفانه، تا هنوز جستجوی یک راه حل معجزه آسا و کوتاه مدت مباحثات را تسخیر خود کرده است: "چرا فقط بوته ها را نخریم؟"، "چرا فقط کشت کوکنار را قانونی نکنیم؟"، "چرا فقط به دهقانان تضمین ندهیم که گندم های شان را به قیمت بلند می خریم؟"، "چرا فقط مزارع شان را تخریب نماییم؟" این استفاده مشتاقانه از کلمه "فقط" در مباحثات پالیسی سازی در افغانستان، جای و کاربرد خود را به درستی نشانخته است.

در واقعیت امر در افغانستان (و نه در هیچ جای دیگر) برای حل موضوع مواد مخدر یک راه و بدیل وجود ندارد. این کشور دستکم برای یک نسل دیگر نیز تریاک تولید خواهد نمود، مگر این که تقاضا برای مواد مخدر در جهان کاهش پیدا نماید. کاهش پایدار و فراگیر تولید تریاک تنها به واسطه

حتا در اردوی ملی که در میان نیروهای امنیتی افغان بیشتر از همه مورد اعتماد هستند، وقتی موضوع مبارزه حکومت با کوکنار مطرح می گردد، در اولویت های خود تجدید نظر می نماید. فشار آوردن بالای مردم به خاطر کاهش کشت و تولید مواد مخدر و همزمان با آن جلب حمایت مردم در برابر شورشیان، کار بسیار پر چالش و دشواری است، به ویژه که بدیل معیشتی کمی در برابر کوکنار وجود دارد. در واقعیت، اردوی ملی همیشه در قسمت همکاری برای تخریب بوته های کوکنار از خود بی میلی نشان داده است. چنانکه در مورد خوگیانی در ولایت ننگرهار صحبت شد، فرماندهان اردو اگر به دنبال موفقیت مبارزه با شورشیان در مناطق نا آرام اند، پس باید به دنبال نوعی تعامل با مردم محل بر سر تولید تریاک باشند.^{۵۶}

یکی از چالش های دیگر سکتور امنیتی از ناحیه مواد مخدر در ارتباط به استخدام، ابقا و توازن قومی در میان نیروهای امنیتی افغانستان است. برای مثال، بنا به یک تخمین بیشتر از یک سوم پشتون هایی که به اردوی ملی می پیوندند، از ولایت ننگرهار می باش.^{۵۷} بر اساس یک تحقیق میدانی در این ولایت، قسمت اعظم ننگرهار های که به اردو شامل می شوند، از ولسوالی های جنوبی هم مرز با پاکستان می آیند که یکی از دلایل آن وضعیت اقتصادی دشواری است که در این مناطق در اثر ممنوعیت تولید تریاک اعمال شده است. رواج مجدد کشت خشخاش و تولید تریاک در این ولسوالی ها احتمالاً بالای میزان شمولیت در اردوی ملی تأثیر منفی گذاشته و موضوع ابقای سربازان در صفوف شان را دشوار بسازد. البته، یک تحقیق در سپین غر نشان داد که حتا خانواده های که در زمین های شان کوکنار کشت نموده اند، اعضای فامیل شان در نیروهای امنیتی افغان شامل شده اند.^{۵۸}

موضوع مواد مخدر در بیشتر از یک دهه در افغانستان یک موضوع فراگیر و همه شمول در تمام مسایل بوده است. برخورد با این مساله در بسیاری از اعلامیه های کنفرانس های بین المللی، استراتژی ملی انکشافی افغانستان و چندین بیانیه های پالیسی ساز دولت های غربی گنجانیده شده است. به هر حال، با تمام حرف و حدیث های بسیار، شواهد کمی در دست است که مساله مواد مخدر واقعاً به عنوان یک عامل در تطبیق توسعه فراگیر، حکومتداری و امنیت مطرح شده باشد.

^{۵۶} Ray Rivera, "Afghan army attracts few where fear reigns," The New York Times, 6 September 2011.

^{۵۷} "Enlisting in the Afghan National Army (ANA) has become the primary risk mitigation strategy for those in the districts of Shinwar, Achin and Khogiani. For example, in the district of Achin more than half of those interviewed had members of their household in the ANA; in Shinwar it was over a third; and in Khogiani one quarter of respondents had members of their household in the ANA...It is also notable that in the districts of Kama and Surkhrod—areas that are less exposed to risk and where households have largely succeeded in diversifying on-farm and non-farm income—none of those interviewed in 2010 reported having members of their household in either the ANA or the ANP." David Mansfield, "The Ban on Opium Production across Nangarhar—A Risk Too Far?" International Journal of Environmental Studies 68, no. 3 (2011): 381-395.

^{۵۸} Mansfield, "All Bets are Off!"

آید. در نهایت، کاهش در کشت کوکنار در سال ۲۰۰۸ میلادی به صورت کلی علاقه دومدار به موضوع مواد مخدر در افغانستان را در بین افراد و نهاد های ذیدخل زایل ساخت و آنان توجه خود را به روی سایر مشکلات معطوف ساختند. با نزدیک شدن موعد انتقال مسوولیت ها، برخی از این فکتورها، به ویژه در دیدگاه ها و رهبری پایتخت های غربی، همچنان پا برجا می باشد. با این وجود، برخی از فرصت ها به چشم می خورد، به ویژه در بین متخصصان توسعه در افغانستان که اکنون این نکته را به خوبی می فهمند که نادیده گرفتن موضوع مواد مخدر برنامه ها و اقدامات آنها را تضعیف می نماید.

مهمترین چالش تغییر ماهیت بحث روی پالیسی های مربوط به مواد مخدر در افغانستان و کشور غربی، به ویژه با درک افزایش بالقوه کشت کوکنار در آینده نزدیک است. دل بستن به راه حل های کوتاه مدت و کوتاه نگر در مورد مشکل مواد مخدر در افغانستان بیش از این لازم نیست. آنچه که نیاز است درک بالای واقعگرایانه از شرایط، به ویژه در پرتو فضای فعلی انتقال سیاسی و کاهش سریع کمک های خارجی، می باشد. مواد مخدر بخش جدایی ناپذیر اقتصاد سیاسی افغانستان خواهد بود؛ نادیده گرفتن نقش آن در شکل دهی جغرافیای سیاسی و فزیک کشور در سالیان آتی چیزی بیشتر از مسامحه نخواهد بود. کنترل بر سر عواید تجارت مواد مخدر روی راه های معیشت، رشد اقتصادی و معاملات سیاسی محلی تاثیرگذار خواهد بود. همچنان، روی رفتار و تصور نیروهای امنیتی، و حتا انتخابات آینده نقش اثرگذاری خواهد داشت. سیاستگذاران نیاز به تایید این واقعیت داشته، و از این پس از مواد مخدر را بخشی از چشم انداز اقتصادی، سیاسی و فزیک که در آن عمل می نماید، به حساب آورند. در این صورت، آنها در یافته می توانند که مواد مخدر به چه صورت تاثیرگذار بوده و چگونه توسط اقداماتی امنیتی، حکومتداری و انکشافی که پس از سال ۲۰۱۴ میلادی اتفاق خواهد افتاد، تاثیر می پذیرد.

بر این اساس، تمام برنامه های ملی، چندجانبه و دوجانبه باید بر مبنای تاثیر بالقوه شان بالای تولید، تجارت و استفاده از تریاک و مشتقات آن ارزیابی شوند. این ارزیابی باید اجباری و بخشی از تایید کمک های مالی و فنی که مرتبط با وزارت مالیه است، باشد. البته این به معنای ایجاد یک روند بوروکراتیک و پرهزینه که اجرات را به تعویق بیندازد، نیست. مرور پالیسی های مربوط به مبارزه با مواد مخدر به طور ساده بخشی از طراحی یک برنامه خوب است، و مستلزم در نظر گرفتن تاثیر اقدامات بالای گروه های مختلف اجتماعی - اقتصادی که در کشت کوکنار دخیل اند، و همچنان پیش بینی دینامیک که در اثر فعل و انفعالات به وجود خواهد آمد، می باشد. ساختار و محتوای ارزیابی ها باید برخاسته از رهنمود ها جهت مشمولیت عام مبارزه با مواد مخدر در پالیسی ها و اجرات باشد که توسط بانک جهانی در سال ۲۰۰۷ میلادی تدوین گردید. نخستین اولویت بررسی برنامه های مبارزه با مواد مخدر در پروگرام های اولویت ملی است تا تاثیر بالقوه خود را بالای موضوع مواد مخدر گذاشته و فعالیت های آن حد اکثر مفاد را به دست دهد (به جدول ۳ نگاه شود). به خصوص، نیاز به اشتراک مساعی میان سکتور های مختلف بخاطر اقدامات و برنامه ریزی های تکمیل کننده یک دیگر وجود داشته،

معرفی یک محصول با ارزش، افزایش سطح کشت و برداشت گندم و یا استفاده از مواد کیمیایی علیه بوته های تریاک ممکن نیست. هیچ راه حل فنی، هر چقدر که هم جالب باشد، برای جلوگیری تولید تریاک وجود ندارد.

کاهش پایدار در کشت کوکنار نظر به مناطق متفاوت است. به غیر از مناطق ماحول مراکز ولایات که وضعیت اجتماعی - اقتصادی و سیاسی مساعدتری دارند، در سایر مناطق روند کند بوده و پیشرفت ها به سختی به دست می آید. همچنان نتایجی از یک سلسله اقدامات به منظور بهبود حکومتداری، امنیت، توسعه اقتصادی در مناطق مشخص، و نه الزاماً کنترل مواد مخدر، به دست آمده است. با تغییرات شرایط اقتصادی و صف بندی های سیاسی، کم شدن کشت و تولید تریاک در یک منطقه همزمان با افزایش آن در مناطق دیگر است. همچنان، به هیچ صورت نمی توان روند کلی کاهش کشت و تولید مخدرات را پیش بینی نمود؛ در اثر اقدامات بیرونی و تغییر منافع اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، هم مردم و هم بازار در برابر واقعیت های جدید از خود واکنش های متفاوت نشان می دهند. ما این روند را در ولایات مختلف می بینیم که کشت کوکنار در آنجا در چند سال اخیر کاهش داشته است، و تاثیر ممنوعیت تولید تریاک بالای مناطق مختلف، گروه های اجتماعی اقتصادی متنوع گوناگون بوده است.

مواد مخدر به مراتب نقش برجسته تر در اقتصاد سیاسی افغانستان در سال های آینده بازی خواهد کرد. با توجه به این سناریو، انتخابی جز درک بهتر از تاثیرات اقتصاد مواد مخدر بالای دهه انتقال و تحول باقی نگذاشته^{۵۹}، بایستی راه های مدیریت بهتر مخاطرات آن جستجو گردد. چنین اقداماتی باید از ارزیابی های ساده میزان کشت به منظور تحلیل نقش مواد مخدر در شکل دهی اقتصاد روستاها و سیاست در کابل، فراتر برود. در این ارتباط، برخی ها شاید به تلاش هایی اشاره نمایند که در پی معلومات و درک موجود از اقتصاد مواد مخدر در برنامه های انکشافی مدغم می شود، همچنان که بارها از "توسعه در محیط متاثر از مواد مخدر" و یا "عمومیت بخشی به مبارزه با مواد مخدر در برنامه ها و نهاد ها" یاد می گردد. یا چنانکه برخی دیگر سخن از "توسعه خوب" می گویند. با این حال، مشکلات در فهم و نحوه برخورد با موضوع مواد مخدر در افغانستان قابل چشم پوشی نیست.

اقدامات گذشته به منظور درک بهتر از مسایل مواد مخدر و تاثیرات وسیع تر آن به دلایل مختلف نظرها را جلب کرده نتوانست (به جدول ۲ نگاه شود). کمبود رهبری در میان جامعه جهانی و حکومت افغانستان محسوس بوده است. همچنان، تمایل به نگرستن به موضوع مواد مخدر به عنوان یک پدیده مجزا و انتزاعی و اقدام علیه آن، وجود داشته و بودجه های سخاوتمندانه نیز برای آن اختصاص داده شده بود - اما نتوانست همکاری میان نهادها و سکتور های مختلف و ذینفع را ایجاد نماید. خلاء برجسته ای معلوماتی، فشار سیاسی برای کاهش سالانه کوکنار و توجه محض به حذف فزیک مواد مخدر، تغییرات سریع کادر های سازمان های دخیل موجب پیگیری راه حل های کوتاه مدت و ساده انگارانه شده است. این وضعیت مانع از آن شده که بازیگران ذیدخل از تجارب گذشته بیاموزند، یک فهم عمیق و با جزئیات از زمینه های محلی و تحلیل نتایج اقدامات به وجود

^{۵۹} A term coined by the World Bank, referring optimistically to the period from 2015 through to 2025.

گونگون اقدامات و برنامه‌ها بالای مشکل مواد مخدر یاری رسانده بتواند. به این خاطر باید یک دستورالعمل اجرایی به منظور حمایت از وزارتخانه‌های ذیربط در ساحاتی مانند آبیاری، زیربناها و اقدامات در مناطق کم زمین ساخته و پرداخته شود.

در نهایت نیاز به شاخص‌های حساس به مبارزه با مواد مخدر در توافقنامه‌های چندجانبه در ارتباط به ارزیابی برنامه‌ها و عملکردها است. چارچوب حساسدهی دوجانبه در توکیو اساس ارزیابی عملکردهای حکومت افغانستان و جامعه جهانی را ایجاد نموده است. در این چارچوب ارزیابی باید شاخص‌های حساس نسبت به پیشرفت در امر مبارزه با مواد مخدر، مانند متنوع ساختن محصولات و منابع عایداتی خانوادهها گنجانده شود. با این تمهیدات اطمینان خاطر از بابت شرایط لازم جهت کاهش پایدار کشت کوکنار فراهم شده، و اقدامات به منظور نظارت و محدود ساختن تأثیرات تجارت مواد مخدر بالای ساختارهای سیاسی کشور روی دست گرفته شده می‌تواند.

و همچنان برنامه ریزی بالای مناطقی صورت گیرد که اقدامات و صرف منابع در آنجا ثمر بخش است. به این شیوه، حد اکثر نتایج از فعالیت‌های انکشافی و مبارزه با مواد مخدر به دست آمده می‌تواند.

زمان آن فرا رسیده است که از مدل ساده کشت بدیل گذر صورت گیرد. شواهد نشان می‌دهد که اگر برنامه‌های انکشافی موفقانه تطبیق گردند، مردم در روستاها آماده به یک سو گذاشتن کشت مواد مخدر اند. این برنامه‌ها نه تنها شامل بهبود معیشت خانوادهها از طریق متنوع ساختن منابع عایداتی کشاورزی و غیر کشاورزی شان بوده، بلکه فراهم آوری خدمات عامه را نیز در برگیرد تا روابط مردم و دولت قوی شود. افزایش عواید غیر زراعتی خانواده‌ها نقش کلیدی را در آماده‌گی شان در برابر به بار نشستن محصولات، نیازمندی‌های عاجل‌های درمانی، بحران‌های خانوادگی و ممنوعیت کشت کوکنار بازی کرده می‌تواند. در عین حال، تقویت سکنتور مالدار می‌تواند به تغییر در شیوه‌های کشت، بهبود درآمد و حمایت اجتماعی کمک نماید.

نیاز به تمرکز روی سرمایه‌گذاری در مناطق روستایی وجود دارد که هم نتایج واقع‌گرایانه از آن به دست آید و هم پس از سال ۲۰۱۴ میلادی قابل تطبیق باشد. برنامه‌های اولویت ملی اغلب توجهی به جغرافیای تطبیق برنامه‌ها ندارد، البته به استثنای بحث روی «دهلیزهای اقتصادی» و سرمایه‌گذاری در سطح ولایت‌ها. فراتر از این، در برنامه‌های فوق توجه اندکی به موضوع اولویت‌های جغرافیایی شده است. به این معنا که چگونه سرمایه‌گذاری بالای یک منطقه مشخص می‌تواند به حمایت از ثبات و تحکیم دولت، رشد مساویانه اقتصادی و رویگردانی از کشت کوکنار کمک نماید. از این رو به تعیین اولویت‌های جغرافیایی که با سناریوهای امنیتی پس از سال ۲۰۱۴ میلادی همخوانی داشته باشد، احساس نیاز می‌شود. پس از انتقال مسوولیت‌ها، نیروهای امنیتی افغان بر مناطقی در حول و حوش شاهراه‌ها و مراکز ولایات نفوذ و کنترل خود را تحکیم و تداوم بخشند. در چنین مناطق، سرمایه‌گذاری روی توسعه پایدار ممکن بوده و بازگشت به کشت کوکنار قابل تصور می‌باشد. با این حال، در مناطقی از ولایات مختلف وضعیت امنیتی رو به وخامت خواهد گذاشت و عدم دسترسی و نفوذ حکومت سرمایه‌گذاری‌های انکشافی را ناکافی و یا غیر عملی خواهد ساخت. این چالش در مناطقی محسوس خواهد بود که حکومت قدرت لازم کنترل و اعمال سلطه را نداشته و نفوذ خود را از طریق معامله با گروه‌ها و افراد با نفوذ محلی تامین می‌نماید. احتیاط و دقت لازم در ارتباط به ساز و کارهای مناسب جهت فراهم آوری کمک‌ها در تحت چنین شرایطی، نتایج انکشافی مورد انتظار و پاسخ به تداوم بالقوه کشت کوکنار در این مناطق، به خرچ داده شود. پالیسی‌سازان باید به موضوع چالش‌های کار در چنین محیط سیاسی پر چالش آگاه گردند، مگر این که حکومت بخواهد خود را دست به کاری نزند و پای خود را عقب بکشد.

ضرورت تقویت ظرفیت‌های فنی و استراتژیک وزارت مبارزه با مواد مخدر وجود دارد تا وزارتخانه‌های ذیربط دیگر را در دست آوردن بیشترین نتایج از برنامه‌های مرتبط با محو مواد مخدر پشتیبانی نماید. برای این منظور، این وزارت باید ظرفیت لازم تحلیلی و مشوره‌دهی را در خود ایجاد کرده تا به درک بهتر از تأثیرات

جدول ۲: عوامل بازدارنده شمولیت عام مبارزه با مواد مخدر در پالیسی ها و نهاد ها

عواملی که شمولیت عام مبارزه با مواد مخدر در پالیسی ها و نهاد را در گذشته باز می داشت	عواملی که شمولیت عام مبارزه با مواد مخدر را در پالیسی ها و نهاد تشویق می نماید
<p>ایجاد این حس که وضعیت موجود غیر قابل قبول می باشد؛ بالا بردن آگاهی به منظور درک این نکته که گسترش اقتصاد مواد مخدر بالای اولویت ها در بخش توسعه، امنیت و حکومتداری تاثیر منفی بر جای می گذارد.</p>	<ul style="list-style-type: none"> • کمبود رهبری: عدم حمایت کامل و تمایل لازم مقامات ارشد(افغان و بین المللی) در امر مبارزه با مواد مخدر. آنها موضوع مواد مخدر را مجزا و انتزاعی فرض کردند که نیازمند پروژه های اضافی جهت تمویل می باشد.
<p>نهاد های فعال در امر مبارزه با مواد مخدر مانند وزارت مبارزه با مواد مخدر به صورت گسترده به دنبال استراتژی اند که موضوع مواد مخدر را در قالب برنامه های متعارف انکشافی می گنجانند و اقدامات مستقیم مبارزه با مواد مخدر را تحریک آمیز و فنی عنوان می نمایند.</p>	<ul style="list-style-type: none"> • انتساب: نهادها و فعالین مبارزه با مواد مخدر که به دنبال لابی و رای زنی برای پروژه مبارزه با مواد مخدر و یا رویکرد برنامه ای اند؛ آنانی که شمولیت عام مواد مخدر در پالیسی ها و نهاد ها را یک روند پیچیده دیده و گویا کاهش در کشت کوکنار امر بلندمدت بوده و ارتباطی به محدودیت های تخصیص و بودجه ندارد.
<p>ایجاد این درک که رشد اقتصاد مواد مخدر خدمات و کمک های انکشافی را تضعیف می نماید.</p> <p>تحول تدریجی کمک های انکشافی به برنامه های عادی و بدون کدام ضرب العجل سیاسی</p> <p>ایجاد درک این نکته در میان نهاد ها و افراد دخیل در کنترل مواد مخدر که نیاز به روش متوازن است که توسعه نیز جز آن به حساب می آید؛ میل و ظرفیت محدود برای محو همه جانبه کوکنار.</p>	<ul style="list-style-type: none"> • پرهیز از ریسک: بسیاری از مقامات و نهاد های انکشافی موضوع مواد مخدر را بخشی از اجندای درونی شده خود نمی بینند. دلیل آن فشار به خاطر به دست آوردن نتایج میان مدت و راه حل های ساده انگارانه است که گاه خلاف مأموریت و رویه نهاد ها است.
<p>افزایش مجدد کشت کوکنار نیازمند پاسخ جدی است؛ باید دانست که فراتر از پاسخ زورمندانه بدیل های دیگر هم وجود دارد.</p> <p>استفاده از زور در فضای متغییر سیاسی و خروج نیروهای ناتو گزینه واقعی نیست.</p>	<ul style="list-style-type: none"> • کاهش در میزان کشت کوکنار: افزایش کشت کوکنار موجب فراخوانی و انگیزه در میان تمویل کنندگان و نهاد های انکشافی جهت اقدام گردید، اما پس از کاهش کشت از سال ۲۰۰۸ میلادی به بعد، انگیزه ها و اولویت ها نیز فروکش کرد.
<p>مجموعه ای از کارها در مورد شمولیت عام مواد مخدر در پالیسی ها و نهادها که شامل دستورالعمل ها و گزارش هایی می شود که با حمایت اداره توسعه بین المللی بریتانیا و بانک جهانی ترتیب یافته است.</p> <p>حمایت نهاد ها و فعالان ضد مواد مخدر از رویکرد شمولیت عام مواد مخدر در پالیسی ها و نهادها؛ نهادینه کردن آن در درون وزارت مبارزه با مواد مخدر.</p>	<ul style="list-style-type: none"> • پایداری: پیشبرد امور توسط افراد فنی از میان تمویل کنندگان کلیدی غربی همراه با حمایت اندک از سوی نهاد های کنترل مواد مخدر؛ با تعویض افراد تب و تاب کار نیز از دست می رفت.
<p>استفاده از تجارب و مجموعه رو به گسترشی از تحقیقات و اطلاعات به خاطر ارزیابی اقدامات عملی.</p> <p>تاکید زیاد روی نظارت و ارزیابی برنامه های انکشافی که درک واکنش افراد و نهاد های اصلی ذیدخل به اقدامات و مداخلات را تسهیل می نماید.</p>	<ul style="list-style-type: none"> • ظرفیت: خلاء و تفاوت های عمیق در معلومات و دانش از مواد مخدر، به ویژه در میان نهاد های درگیر مبارزه با مواد مخدر، در باره تاثیرات اقدامات مختلف بالای گروه های مختلف درگیر کشت کوکنار؛ پیامد آن این بود که پالیسی شمولیت عام مساله مواد مخدر در پالیسی ها و نهاد به عمل درآمده نمی توانست.
<p>اقدامات انکشافی دیگر به صورت ناخواسته نشان دادند که برخی از برنامه ها و اقدامات بی ارتباط و یکجانبه و تک عاملی هستند.</p> <p>منابع مالی بسیار زیاد: تمویل پروژه های بسیار زیاد، به ویژه پس از سال ۲۰۰۹ در جریان اعزام نیروهای نظامی و ملکی از سوی رییس جمهور امریکا.</p> <p>منابع مالی کمی وجود دارد، از این رو نیاز به بیشتر به هماهنگی و همکاری است.</p>	<ul style="list-style-type: none"> • کوچک ساختن وظایف: پارچه پارچه ساختن و کوچک ساختن حوزه کاری تشویق میگردد- هر کسی باید روی وظایف و اولویت خود، و شاخص های مرتبط با پروژه تمرکز نماید.
<p>منابع مالی کمی وجود دارد، از این رو نیاز به بیشتر به هماهنگی و همکاری است.</p>	<ul style="list-style-type: none"> • منابع مالی بسیار زیاد: تمویل پروژه های بسیار زیاد، به ویژه پس از سال ۲۰۰۹ در جریان اعزام نیروهای نظامی و ملکی از سوی رییس جمهور امریکا.

جدول ۳: نمونه هایی از شمولیت عام مبارزه با مواد مخدر در پاسی ها و نهاد بر اساس تجربه برنامه های ملی انکشافی افغانستان

برنامه ملی افزایش دسترسی در روستاها						
نظارت و ارزیابی	تطبیق	طراحی	کاهش خطر	خطر افزایش تولید تریاک در صورتی که مبارزه با مواد مخدر بخشی فراگیر پالیسی ها و نهاد ها نباشد	سطح فعالی شمولیت عام در پالیسی ها و نهاد	تغییر الگو
<p>مجموعه تاثیرات مبارزه با مواد مخدر به عنوان بخشی از بررسی کلی پروگرام.</p> <p>بررسی مورد و مبتنی بر منطقه به منظور معاینه نتایج انکشافی و تاثیر آن بالای کشت کوکنار.</p>	<p>اولویت دادن به مناطق کشت کوکنار که در آنجا تطبیق برنامه ها می تواند بخشی از برنامه های اولویت ملی به منظور تولید درآمد باشد. همچنان در آنجا روش های مناسب و متمرکز روی ساخت و ساز جاده ها وجود داشته، و در جریان تقاضای بالای کارگر جهت کشت کوکنار تطبیق گردد از این رو هزینه کارگر برای کشت خشکاش بالا ببرد.</p>	<p>مدغم ساختن ارزیابی تاثیرات مبارزه با مواد مخدر و سایر مسائل عام و مشترک(جنسیت و محیط زیست) به عنوان بخشی از طراحی، نظارت و بررسی.</p> <p>شامل ساختن تاثیرات مبارزه با مواد مخدر در میان میزبانهایی برای اولویت بخشیدن به ساخت جاده ها در تحت برنامه ملی.</p> <p>داخل نمودن شاخص های مربوط به مبارزه با مواد مخدر مانند تنوع کشت محصولات و عواید در نوعی نزدیک به جاده ها و میزان کشت کوکنار.</p>	<p>اتحاد پالیسی برنامه ریزی بر اساس مناطق توأم با تطبیق هماهنگ شده برنامه ها با سایر برنامه های ملی انکشافی به خاطر ایجاد ضروری مساعی مشترک جهت به دست آوردن نتایج پروژه های انکشافی و مبارزه با مواد مخدر.</p> <p>پرهیز از تطبیق برنامه به صورت مجزا از دیگران در مناطقی که بدیل های مناسب معیشتی وجود نداشته و یا برنامه های درآمدزایی تطبیق نگردیده است.</p> <p>قوانین لازم- ایجاد موثر است های بازرسی در جاده های مناطق تولید تریاک.</p>	<p>ریسک: در صورتی که هماهنگ و همگام با سرمایه گذاری روی درآمد نباشد، بالا است.</p> <p>جاده ها از نظر مردم محلی اینزاری جهت سرکوب توسط نیروهای امنیتی است، در نتیجه کینه ها و مقاومت علیه حکومت شکل می گیرد.</p>	<p>اشاره کوتاه و گذرا</p>	<p>بهبود دسترسی قوای امنیتی افغان به مناطق تحت کشت کوکنار</p> <p>افزایش خدمات عامه و خصوصی</p> <p>بهبود دسترسی مردم به بازارهای زراعتی و کاری</p> <p>افزایش میزان کارگران با دستمزد در مناطق روستایی(تقریباً نه میلیون شغل روزانه)</p>

برنامه ملی انکشاف منابع آبی و طبیعی

نظارت و ارزیابی	تطبیق	طراحی	کاهش خطر	خطر افزایش تولید	سطح فعلی شمولیت عام در پالیسی ها و نهاد	تغییر الگو
<p>ارزیابی مقایسه‌ی شاخص‌های مربوطه مبارزه با مواد مخدر</p> <p>سازماندهی ارزیابی منطقه محور به منظور معاینه دستاورد های انکشافی و تاثیر کشت کوکار</p>	<p>شامل ساختن توسعه درک بهتر از تاثیرات مبارزه با مواد مخدر در جز ۵.۳.۴.۷</p> <p>انکشاف ظرفیت به منظور اندازه گیری تاثیرات اجتماعی- اقتصادی آبیاری</p>	<p>شامل ساختن اجباری بررسی پالیسی‌های مبارزه با مواد مخدر به عنوان بخشی از تعیین و ارزیابی طرح‌های آبیاری، به ویژه پروژه‌های بزرگ آبیاری در مناطقی سابقه کشت مواد مخدر را دارد.</p> <p>شامل ساختن شاخص‌های مربوطه مبارزه با مواد مخدر مانند متنوع ساختن محصولات و عواید خانوادگیها در نواحی نزدیک به جاده‌ها و سطح کشت کوکار.</p> <p>پرهیز از شروطی که سابقه بد در افغانستان داشته است.^۱</p>	<p>انتخاب رویکرد طرح برنامه بر مبنای مناطق و تطبیق هماهنگ شده آن با سایر برنامه‌های NPTs جهت ایجاد مساعی مشترک در امر رسیدن به اهداف توسعه‌ی و مبارزه با مواد مخدر.</p> <p>پرهیز از تطبیق برنامه به صورت مجزا از دیگران در مناطقی که بدیل‌های مناسب معیشتی وجود نداشته و با برنامه‌های درآمدزایی تطبیق نگردیده است.</p>	<p>خطر افزایش تولید تریاک در صورتی که مبارزه با مواد مخدر بخش فراگیر پالیسی‌ها و نهاد‌ها نباشد</p> <p>خطر: بالا</p> <p>افزایش ۱۵۴،۰۰۰ هکتار زمین در مناطق آبیاری شده؛ افزایش بالقوه زمین‌های تحت کشت کوکار در مناطقی شرایط تنوع محصولات و منابع عواید غیر زراعتی مساعد نباشد.</p>	<p>اشاره کمی به ویژه در کانتیکست چاه‌های عمیق شده است.</p> <p>مدنظر گرفتن یک سلسله شروط (کمک‌های انکشافی مشروط به کاهش در کشت کوکار) اضافه کردن بخشی در مورد مواد مخدر به عنوان یک مساله فراگیر. با این حال این موضوع در زمینه و با به عنوان یک امر فراگیر در اسناد اصلی مورد بحث قرار نگرفته است.</p>	<p>کوکار حاصل خوبی در زمین‌های آبیاری شده به دست می‌دهد و زمانی که آب کم است کمتر مشکلی در برداشت پیدا می‌نماید و هزینه‌های خود را تامین می‌نماید.</p> <p>برنامه ملی انکشاف منابع آبی و طبیعی دسترسی را به آبیاری بهتر ساخته و از تولید محصولات سبز حمایت می‌کند.</p>

نشریات واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان

- توانمند سازی اقتصادی زنان در افغانستان: ایجاد فضا و مساعد ساختن محیط، لینا گنیش
- اقتصاد بلخ در دوره انتقال، پاول فیشستین #
- اندکی عاری از کوکنارو اندکی امحای آن: زرع کوکنار در ولایات بلخ و بدخشان در سالهای ۲۰۱۱، پاول فیشستین
- مدل مدیریت خوب آب در افغانستان: خلاها و فرصتها، توماس ونسنت
- زمین، دولت و مردم در افغانستان: ۲۰۰۲-۲۰۱۲، لیز آلدن ویلی #
- تمام شرط بندی ها منع اند! چشم اندازها در مورد تخلف از موافقتنامه هاو کنترل مواد مخدر در هلمند و ننگرهار در دوره انتقال، دیوید منسفیلد
- از الف تا یا کتاب رهنا برای کمک به افغانستان ترجمه نسخه یازدهم، واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان #
- در انحصار یک گروه: اقتصاد سیاسی شمال افغانستان از ۲۰۰۱ به بعد، انتونیو جیستوزی
- مدیریت زمین در بلا تکلیفی: نگاهی به قانون جدید پیشنهاد شده برای مدیریت اراضی افغانستان، لیز آلدن ویلی #
- اصلاح سیستم انتخاباتی افغانستان: مباحثات و گزینه های اصلاحات، اندرو رونالدز و جان کیری #
- تاثیرات برنامه های قرضه های کوچک بر زندگی زنان: مطالعه موضوعی در ولایت بلخ، چونا ایچاویز با سوگل زند و جنیفر بگوپورا
- خلاهای مخرب: فعالیت های جوامع محلی و اصلاح نهایی های تخصیص آب در حوزه دریایی پنج-آمو افغانستان، توماس ونسنت
- آیا مشارکت زنان در برنامه های همبستگی ملی باعث تغییر در زندگی آنها میگردد؟ مطالعه موردی در ولایت کابل، چونا ایچاویز

این علامت نشان دهنده آنست که ترجمه نشریه مذکور به طور مکمل یا خلاصه به زبان دری قابل دریافت است.

در مورد واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان

واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان (AREU) یک اداره مستقل پژوهشی مستقر در شهر کابل است که مأموریت آن آگاهی دهی و تاثیرگذاری روی سیاست ها و فعالیت ها از طریق انجام و عرضه تحقیقات باکیفیت و مرتبط به پالیسی ها و راهکارها و انتشار نتایج به دست آمده است. به این منظور، این اداره سعی می ورزد تا با دخیل ساختن سیاستگذاران، جامعه مدنی، پژوهشگران و محصلین زمینه های استفاده از تحقیقات و کتابخانه (AREU) را جهت تقویت ظرفیت تحقیقاتی آنان، و ایجاد فرصتها برای پژوهش، بازتاب اندیشه ها و مباحثات در کشور فراهم سازد.

واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان در سال ۲۰۰۲ میلادی با همکاری مجموعه از موسسات کمک رسانی فعال در افغانستان تاسیس گردیده است که در هیات مدیره آن نماینده های جمعی از تمویل کنندگان، سازمان ملل متحد و سایر ادارات و موسسات غیردولتی حضور دارند. (AREU) بیشتر از سوی سفارت فنلند، اداره کمک های انکشافی بین المللی سویدن، و اداره توسعه و همکاری های سوئیس پشتیبانی مالی می شود.

در سال ۲۰۱۳ میلادی پروژه های مشخصی از سوی کمیسیون اروپا (EC)، موسسه بین المللی برای توسعه (ODI)، دفتر ملل متحد برای زنان (UNWOMEN) برنامه انکشافی سازمان ملل متحد (UNDP)، اداره توسعه و همکاری سوئیس (SDC)، کمیشنری عالی سازمان ملل برای پناهندگان (UNHCR) و همچنان سفارت فنلند تمویل می گردد.

این تحقیق با حمایت مالی اتحادیه اروپا صورت گرفته است. مسوولیت محتوای این پژوهش به دوش (AREU) بوده و به هیچ صورت مواضع اتحادیه اروپا را منعکس نمی نماید.

© ۱۳۹۲، واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان. بعضی از حقوق محفوظ است. این نشریه میتواند چاپ مجدد و تکثیر گردد، و یا در دستگاه های قابل بازیابی ذخیره، و یا به هر شکل و توسط هر وسیله ای، اعم از برقی، ضبطی و دیگر وسایل با ذکر مشخصات نویسنده و واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان انتقال گردد. هر گونه استفاده تجارتي و خرید و فروش آن مجاز نیست. هرگاه این نشریه چاپ مجدد شده و یا به صورت برقی به دسترس گذاشته میشود، باید خط ارتباطی به سایت انترنتی واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان (www.areu.org.af) در آن چاپ و یا روی صفحه انترنتی گذاشته شود. برای هرگونه استفاده ی که در فوق مشخص نگردیده است، باید اجازه تحریری قبلی ناشر (واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان) از آدرس سایت انترنتی areu@areu.org.af و یا تماس با شماره ۵۴۸ ۶۰۸ ۷۹۹ (۰۹۳) + بدست آید.